

۱- اختر درخشید؛ آن شب چه آرام بود.

خوابیده عیسی در آخور؛ مادرش مریم در آن نور.
به او بنگرد؛ و لبخند میزن.

۲- آن فرشته‌ها؛ با صدای رسا.

جلال بر خداوند رواست؛ جهان پر از صلح خداست.
عده‌ای زیاد؛ با هم میسرایند.

۳- تسبیح بخوانید؛ کودکان سرایید.

مژده تولد او؛ به همه عالم رسانید.
کودکان روید؛ بشارت بدهید.

از این دنیای مغموم و فانی، فریاد کنم به سوی سما
روحا افسرده در زیر گناه، خداوندا بر من رحم نما

**این قلبِ نالان، در پی شادیست، تنهای تنها و بینوا
قلبم شکسته، پر درد و خسته، خداوندا بر من رحم نما**

این روح عاصی آواره گشته، در پی لذات دور از خدا
در بیابان این عصرِ باطل، خداوندا بر من رحم نما

**این قلبِ نالان، در پی شادیست، تنهای تنها و بینوا
قلبم شکسته، پر درد و خسته، خداوندا بر من رحم نما**

دنیای مگار مرا فریب داد، هستی ام رفت بر باد فنا
رانده ز هر جا خسته ز دنیا، خداوندا بر من رحم نما

**این قلبِ نالان، در پی شادیست، تنهای تنها و بینوا
قلبم شکسته، پر درد و خسته، خداوندا بر من رحم نما**

توبه می کنم از گناهانم، با اشکهای تلخ کنم دعا
هر چند نالایق سویت می آیم، خداوندا بر من رحم نما

۱- از جان و دل خواهم ترا، عیسی به قلب من در آ!

باشد ترا آنجا سرا، کن رهبری مرا!

۲- غوغا و شور این جهان، نامت کند از دل نهان.

لیکن تویی نیکو شبان، ظاهر کنی خود را.

۳- خود خواهی و کبر و غرور، از من نما یکباره دور!

گردان تو قلبم پر سرور؛ خواهم از دل تو را.

۴- این روح سرگردان من، وین قلب نافرمان من،

در آی و کن درمان من؛ فرمان برم جانا.

۵- گر این دل از عیسی شود، هر چیز روح افزا شود!

زشتی رود زیبا شود، تازه شود دنیا!

۶- سرتاسر قلبم اگر، از آن تو باشد دگر،

چیزی نخواهم ای پدر، پس ای خدا بیا!

۱- از دل سرود حمد خوانم، آرام و شادم چون دانم
در هر مکان در هر زمان، هادی خدا است، رهبرم اوست
رهبرم اوست، رهبرم اوست، در هر تنگی رهبرم اوست
در پیرویش امین مانم، مسرورم چون رهبرم اوست

۲- گر شاخ عمرم بشکند، و ر غم دل افزون شود
طوفان عمرم چون رسد، آرامم چون رهبرم اوست
رهبرم اوست، رهبرم اوست، در هر تنگی رهبرم اوست
در پیرویش امین مانم، مسرورم چون رهبرم اوست

۳- در دست او این دست نهم، هرگز گله‌ایی نکنم
خوشنودم چون که میدانم، قوتم اوست رهبرم اوست
رهبرم اوست، رهبرم اوست، در هر تنگی رهبرم اوست
در پیرویش امین مانم، مسرورم چون رهبرم اوست

۴- چون عمر من بسر آید، با فیض او ظفر آید
از موج مرگ هراسم نیست، با من خداست رهبرم اوست
رهبرم اوست رهبرم اوست، در هر تنگی رهبرم اوست
در پیرویش امین مانم، مسرورم چون رهبرم اوست

۱- از دل و جان خداوند را، حمد گوئیم حضورش خواهیم

بهر نجات عظیمش، روز و شب شکرش نماییم
عیسی امید دل ماست، عیسی فروغ و راه ماست
در طوفانها و سختیها، او صخره نجات ماست

هللویاه جلال بر نام خداوند، هللویاه جلال بر منجی عالم (۲)

۲- عیسی تویی محبوب ما، تویی شاه و معبود ما
هرگاه نامت را بخوانیم حضورت باشد بین ما
عیسی ما را پیدا کردی، بندهای ما را باز کردی
جان پاکت را برای، گنهکاران فدا کردی

هللویاه جلال بر نام خداوند، هللویاه جلال بر منجی عالم (۲)

۳- هر که خدا را بجوید، او را در عیسی بیابد
هر که عیسی را بیابد، حیات ابدی یابد
عیسی ذات خدای ماست، عیسی نان حیات ماست
ای گمشدگان بدانید، عیسی راه و راستی ماست

هللویاه جلال بر نام خداوند، هللویاه جلال بر منجی عالم (۲)

۱- از روزی خدای من خدای من مرا صدا کرد مرا صدا کرد

از روزی شبان من شبان من مرا پیدا کرد مرا پیدا کرد

شادم شادم شادم رها شدم آزادم (۲)

۲- از وقتی عشق عیسی مهر عیسی قلبم را پر کرد قلبم را پر کرد

سر سپردم بر راهش بر درگاهش تولدی نو زندگی روشن

شادم شادم شادم رها شدم آزادم (۲)

۳- از روزی پیمان بستم پیمان بستم با خون عیسی با منجی خود

گفت اگر با توکل نزدم آیی آرامش بخشم بحیات تو

شادم شادم شادم رها شدم آزادم (۲)

۴- چه روز شادی بخشی شادی بخشی روز نجات است روز نجات است

گناهانم را برده روی صلیب از غم آزادم از غم آزادم

شادم شادم شادم رها شدم آزادم (۲)

۱. از سه اقنوم، یکی آنکه مسیحا نامش

آمد از باکره پاک که او بُد مامش

از جلال ازلی دور شد آمد بجهان

در لباس بشری کرد خدائیش نهان

۲. مژده دادند ملائک همه کاینک مولود

هست خوابیده در آخور ملک الملک وجود

اختری سعد و درخشان بسما بود نشان

رهنما شد به تنی چند که رفتند چنان

۳. جمله بودند ز ایران به زیارت رفتند

نزد آن قدس خدا شاه ولایت رفتند

تا هدایای خود از آنچه که همراه می بود

نزد آن شاه گذاردند به بخت مسعود

۱- از شرق مائیم پادشاهان، چشم دوخته بسوی آسمان

دشت و کوه و درّه طی کرده آمده‌ایم الآن

ای نورِ دلربای ما، تویی رهنمای ما

دائمِ رخشان نورِ خود را، مشو تو از ما نهان

۲- من تقدیمت میکنم هان، این طلای تاج شاهان

تا که سلطنت ترا تا ابد بیند جوان

ای نورِ دلربای ما، تویی رهنمای ما

دائمِ رخشان نورِ خود را، مشو تو از ما نهان

۳- من کُندر آورده‌ام حال، بهر شاهِ ذوالجلال

او مظهر حق مسیح موعود باشد بی زوال

ای نورِ دلربای ما، تویی رهنمای ما

دائمِ رخشان نورِ خود را، مشو تو از ما نهان

۴- مَرّ من شاهد نیکو است، طعمش تلخ و خودش بدبو است

زانکه این مولود زائل کند غم و درد از جهان

ای نورِ دلربای ما، تویی رهنمای ما

دائمِ رخشان نورِ خود را، مشو تو از ما نهان

۵- نام او را حمد و ثنا، می‌خوانند در ارض و سما

هللویاه هللویاه ملائکند گویان

ای نورِ دلربای ما، تویی رهنمای ما

دائمِ رخشان نورِ خود را، مشو تو از ما نهان

از عشق تو شد جهان در چشمم
پر شکوه و روشن پر شکوه و روشن ای مسیحا
در نام تو مژده پیروزی شادی و بهروزی
می شکوفد بخت ما همچو گلها

ز نور تو ریزد به دلم شور عشق و امید
نغمه آزادی می رسد به گوشم
ای مسیح موعود ای مسیحا (۲)

در عشق تو شد گناهم شسته
دل به مهرت بسته ای مسیح موعود ای مسیحا
در نام تو جان رهایی یابد دل تسلی جوید
ای مسیح موعود ای مسیحا

ز نور تو ریزد به دلم شور عشق و امید
نغمه آزادی می رسد به گوشم
ای مسیح موعود ای مسیحا (۲)

از مهر مسیح جدا نشوم؛ گر چه جفاها تهدیدم کند

رنج و زحمت را از جان پذیرم؛ تا ایمان پاکم را حفظ کنم

ایمانم را حفظ کنم، منجی را ترک نکنم؛ صلیب بر دوش میروم، تا به مسیح برسم (۲)

در قعر زندان در قُل و زنجیر؛ زخمهای بسیار بدن مجروح

با خون ریخته مینویسم من؛ تو را خدایم از یاد نبرم

ایمانم را حفظ کنم، منجی را ترک نکنم؛ صلیب بر دوش میروم، تا به مسیح برسم (۲)

نه حیات، نه مرگ، نه هیچ قدرتی؛ نه چیزهای حال، نه آیندگان

نه هیچ بلندی و نه هیچ پستی؛ مرا از مسیح جدا نسازد

ایمانم را حفظ کنم، منجی را ترک نکنم؛ صلیب بر دوش میروم، تا به مسیح برسم (۲)

Æz mehre Mæsih joda næshævæm; Gær cheh jæfaha tæhdidæm konæd

Rænĵ o zæhmæt ra æz jan pæziræm; Ta iman pakæm ra hefz konæm

Imanæm ra hefz konæm, Monĵi ra tærk nækonæm; Sælib bæd dush mirævæm, Ta be Mæsih beresæm (2)

Dær ghære zendan dær ghol o zænĵir; Zækhmhaye besyar bædæne mæĵruh

Ba khune rikhteh minevisæm mæn; To ra khodayæm æz ya nabæræm

Imanæm ra hefz konæm, Monĵi ra tærk nækonæm; Sælib bæd dush mirævæm, Ta be Mæsih beresæm (2)

Næ hæyat, næ mærg, næ hich ghodræti; Næ chizhaye hal, næ ayændegan

Næ hich bolændi væ næ hich pæsti; Mæra æz Mæsih joda næsazæd

Imanæm ra hefz konæm, Monĵi ra tærk nækonæm; Sælib bæd dush mirævæm, Ta be Mæsih beresæm (2)

۱- از نور خورشید از نور ماه

از لبخند تو از شب‌نم گل

از نم نم باران از صدای ناودان

۲- روح خود را من کردم نثار تو

در دریا تعمیر تازه کردم من دل خود

از او درخواست نمایم بخشش و گناه خود را

۳- با طوفان یا در نسیم در صبح رستاخیز تو

این پایان سفر این پایان گناه

مثل کوه بلند مثل برف سفید

۴- جاودانه بمان، جاودانه بمان

در شب در سحر

از نور سحر مشق گرفتم خداوند
مهتاب درخشنده بنام خداوند
تنظیم جهان شکل گرفته به امرش
خورشید بتابد بفرمان خداوند
در جمع فقیران، در فوج اسیران
در گوشه غربت، در صفا و حکمت

شادی ز خداوند (۲)

گر که گرفته دلت از غم دنیا
دستت برافراز به درگاه خداوند
با قلب یقین روی بسویش بیاور
هر چه که خواهی ستانی ز خداوند
در عالم هستی، در هوشی و مستی،
در درد و مشقت در شفا و ثروت،

شادی ز خداوند (۲)

۱- از هر خاری در این جهان، بافتند تاجی بهر مسیحا
تمام تپه‌های دنیا، گردید جلجتا
در واقع سرخی گلها نمونه‌ای است از خون عیسی
که برای مردم دنیا، ریخت در جلجتا
منجی دنیا مسیحا تو هستی زنجیر غمهای دلها شکستی
می پرستم تو را هر چه که هستی، شاهم تو هستی
هادی و نور و نجات تویی تو، امید راه حیاتم تویی تو
هر جا نگهبان جانها تویی تو، کافی تو هستی
۲- ای همه مردم جهان، زیر بار غمهای گران
تا کی می خواهید باشید نالان، نزد او آید
روز نجات امروز بود، روز آزادی از رنج و درد
عیسی همیشه مایل بود، تا نزدش آید
منجی دنیا مسیحا تو هستی زنجیر غمهای دلها شکستی
می پرستم تو را هر چه که هستی، شاهم تو هستی
هادی و نور و نجات تویی تو، امید راه حیاتم تویی تو
هر جا نگهبان جانها تویی تو، کافی تو هستی

از هر قوم و ملت، هر زبان
هر رنگ که هستیم درین جهان
تو شستی بر روی صلیب،
با یک رنگ گناهانمان

ای عیسی ای آرام جان
ای قدوس تو ای مهربان
مُهر شد عشقت بر روی صلیب
خون تو شد گواه آن

خالق هستی و آسمان
تو ای پناه خسته‌گان
پرکن ز روح‌القدس
دل‌های خسته جانهای مان

۱- اعتماد بر عیسی نیکوست، هادی و امید ما؛ وعده‌های عالی از اوست، در کلام او پیدا

بر عیسی دارم اعتماد، آزمودم وعده‌اش را؛ ای مسیح، منجی عالم، فیضت را عطا فرما

۲- اعتماد بر عیسی دارم، بر آن خون پاک او؛ خون وی زدوده جرمم، محض فیض و رحم او

بر عیسی دارم اعتماد، آزمودم وعده‌اش را؛ ای مسیح، منجی عالم، فیضت را عطا فرما

۳- اعتماد بر او شیرین است، آزادم ز قید و بند؛ شادی و سرورم در اوست، آن مسیح خداوند

بر عیسی دارم اعتماد، آزمودم وعده‌اش را؛ ای مسیح، منجی عالم، فیضت را عطا فرما

۴. ای امید و شادی جان، دوست و منجی‌ام عیسی؛ نور تو به رویم تابان، همدمم شوی هر جا

بر عیسی دارم اعتماد، آزمودم وعده‌اش را؛ ای مسیح، منجی عالم، فیضت را عطا فرما

1. 'Tis so sweet to trust in Jesus, and to take him at his word;
just to rest upon his promise, and to know, "Thus saith the Lord."

**Jesus, Jesus, how I trust him! How I've proved him o'er and o'er!
Jesus, Jesus, precious Jesus! O for grace to trust him more!**

2. O how sweet to trust in Jesus, just to trust his cleansing blood;
and in simple faith to plunge me neath the healing, cleansing flood!

**Jesus, Jesus, how I trust him! How I've proved him o'er and o'er!
Jesus, Jesus, precious Jesus! O for grace to trust him more!**

3. Yes, 'tis sweet to trust in Jesus, just from sin and self to cease;
just from Jesus simply taking life and rest, and joy and peace.

**Jesus, Jesus, how I trust him! How I've proved him o'er and o'er!
Jesus, Jesus, precious Jesus! O for grace to trust him more!**

4. I'm so glad I learned to trust thee, precious Jesus, Savior, friend;
and I know that thou art with me, wilt be with me to the end.

**Jesus, Jesus, how I trust him! How I've proved him o'er and o'er!
Jesus, Jesus, precious Jesus! O for grace to trust him more!**

462. 'Tis So Sweet to Trust in Jesus

Text: Louisa M. R. Stead, c. 1850-1917

Music: William J. Kirkpatrick, 1838-1921, Tune: TRUST IN JESUS, Meter: 87.87 with Refrain

اکنون آمده‌ایم، به حضورت عیسی؛ مشتاقِ ملاقات هستیم،
می‌خواهیم عیسی، تو با ما بمانی؛ منتظر هستیم محبوبِ جان

مبارک نما . . ای عیسی محبوب . . همهٔ وجودِ ما را (۲)

برکت ندهی، نروم نروم؛ می‌مانم در حضورِ تو،
می‌خواهم با ایمان، در ما ظاهر شوی؛ قوتِ را ظاهر نمایی

مبارک نما . . ای عیسی محبوب . . همهٔ وجودِ ما را (۲)

با ایمان آمده، به ایمان پذیریم؛ برکتِ سماوی را،
تشنه‌ام تشنهٔ حضورِ آسمان؛ سیرابم نما چشمهٔ جان

مبارک نما . . ای عیسی محبوب . . همهٔ وجودِ ما را (۲)

Æknun amædeh yim Beh hozuræt Eesa; Moshtaghe molaghat hæstim,
Mikhahim Eesa to ba ma bemani; Montæzer hæstim mæhbube jan

Mobaræk næma, Ey Eesaye mæhbub; Hæmeyeh vojude ma ra (2)

Bærekæt nædæhi, nærævæm nærævæm; mi-manæm dær hozure to,
Mi-khahæm ba iman dær ma zaher shævi; ghovvæt ra zaaher næmayi

Mobaræk næma, Ey Eesaye mæhbub; Hæmeyeh vojude ma ra (2)

Ba iman amædeh, beh iman pæzirim; bærekæte sæmavi raa,
Teshneh-æm teshneye hozure aseman; sirabæm næma cheshmeyeh jan

Mobaræk næma, Ey Eesaye mæhbub; Hæmeyeh vojude ma ra (2)

اکنون آمده‌ایم، به حضورت عیسی؛ می‌خواهیم تو را ما ببینیم
می‌خواهیم ای عیسی، تو با ما بمانی؛ قلباً منتظرِ تو هستیم

ای مسیح بیا، قلبِ ما تشنه است؛ با حضورت، آن را پر ساز (۲)

تا تو را نچشیم، از اینجا نرویم؛ ما محتاجِ فیض تو هستیم
می‌خواهیم با ایمان، در ما ظاهر شوی؛ با روحت، ما را سرشار کن

ای مسیح بیا، قلبِ ما تشنه است؛ با حضورت، آن را پر ساز (۲)

با ایمان می‌آییم، با ایمان می‌گیریم؛ برکات تو را، ای مسیح
تشنه آمده‌ایم، تو ما را سیراب کن؛ ای آب حیات، ای مسیح

ای مسیح بیا، قلبِ ما تشنه است؛ با حضورت، آن را پر ساز (۲)

Æknun amædeh-yim, Beh hozuræt Eesa; mikhahim to raa maa bebinim
Mikhaahim ay Isaa, to baa maa bemaani; ghalban montazere to hasteem

Ay Masih biya, ghalbe maa teshne ast; Ba hozorat, aan raa por saaz (2)

Taa to raa nacheshim az injaa naravim; maa mohtaaje fayze to hastim
Mikhahim baa imaan, dar maa zaaher shavi; Ba rohat, maa ra sarshaar kon

Ay Masih biya, ghalbe maa teshne ast; Ba hozorat, aan raa por saaz (2)

Baa imaan miaaeem, baa imaan mighirim; Barekaate to raa, ay Masih
Teshne aamadeem, to maa raa siraab kon; Ay aabe hayaat, ay Masih
Ay Masih biya, ghalbe maa teshne ast; Ba hozorat, aan raa por saaz (2)

۱- اکنون در نور سالکم، پر از جلال حیاتم!

مسیح خداوندم با من است.

سفر زندگی را طی میکنم با عیسی، هلولیاه تسبیحش میخوانم!
منجیم حفظم کند، پیروزمندم می کند، وعده آسمانی داده است!
از اینرو بسی شادم، از هر گناه بیزارم. پیوسته می ستایم خدا را!

۲- چون با عیسی مرده‌ام، زیبا شده باطنم.

در مسیح شادمانم، هلولیاه!

گناهانم محو شده، بندهایم نیز گسیخته، پیروزم بر فوجهای شیطانی!
منجیم حفظم کند، پیروزمندم می کند، وعده آسمانی داده است!
از اینرو بسی شادم، از هر گناه بیزارم. پیوسته می ستایم خدا را!

۳- غذای آسمانی، هم آب زندگانی،

از مسیح همی یابم، هلولیاه!

بخونش مرا شسته، تاجم را نیز آراسته، راهی آسمانم کرده است!
منجیم حفظم کند، پیروزمندم می کند، وعده آسمانی داده است!
از اینرو بسی شادم، از هر گناه بیزارم. پیوسته می ستایم خدا را!

۴- ایکاش هر پریشان حال، پیدا کند این جلال؛

که با صلیب عیسی، دهد خدا.

تا رهد از جهنم، از مرگ جاودانی؛ پیدا کند حیات جاودانی!
منجیم حفظم کند، پیروزمندم می کند، وعده آسمانی داده است!
از اینرو بسی شادم، از هر گناه بیزارم. پیوسته می ستایم خدا را!

۱- اکنون در نور سالکم، پر از جلال حیاتم!

مسیح خداوندم با من است.

سفر زندگی را طی میکنم با عیسی، هلولیاه تسبیحش میخوانم!
منجیم حفظم کند، پیروزمندم می کند، وعده آسمانی داده است!
از اینرو بسی شادم، از هر گناه بیزارم. پیوسته می ستایم خدا را!

۲- چون با عیسی مرده ام، زیبا شده باطنم.

در مسیح شادمانم، هلولیاه!

گناهانم محو شده، بندهایم نیز گسیخته، پیروزم بر فوجهای شیطانی!
منجیم حفظم کند، پیروزمندم می کند، وعده آسمانی داده است!
از اینرو بسی شادم، از هر گناه بیزارم. پیوسته می ستایم خدا را!

۳- غذای آسمانی، هم آب زندگانی،

از مسیح همی یابم، هلولیاه!

بخونش مرا شسته، تاجم را نیز آراسته، راهی آسمانم کرده است!
منجیم حفظم کند، پیروزمندم می کند، وعده آسمانی داده است!
از اینرو بسی شادم، از هر گناه بیزارم. پیوسته می ستایم خدا را!

۴- ایکاش هر پریشان حال، پیدا کند این جلال؛

که با صلیب عیسی، دهد خدا.

تا رهد از جهنم، از مرگ جاودانی؛ پیدا کند نجات آسمانی!
منجیم حفظم کند، پیروزمندم می کند، وعده آسمانی داده است!
از اینرو بسی شادم، از هر گناه بیزارم. پیوسته می ستایم خدا را!

۱- اگر این دنیا همیشه آتش، بیافروزد بر جان و دلم
نمی‌هراسم یک لحظه هرگز، گر چه بماند خاکسترم
چون روحم با شادی و صفا پرواز خواهد کرد سوی عیسی (۲)

۲- اگر در عمق دریا اسیرم، در دل صحرا سرگردانم
دست از منجیم نکشم هرگز، گر چه از کف برود جانم
چون روحم با شادی و صفا پرواز خواهد کرد سوی عیسی (۲)

۳- مشعل نجات منجی ما، همیشه باشد در دست من
چقدر شیرین است اگر یک روزی، فدایش گردد این جان من
چون روحم با شادی و صفا پرواز خواهد کرد سوی عیسی (۲)

۱- اگر جانِ من، اگر مالِ من
صرفِ خدمتِ، خداوند شود

غلامِ (کنیزِ) بی منفعت منم (۲)

۲- اگر روزِ من، اگر شبِ من
صرفِ خدمتِ، خداوند شود

غلامِ (کنیزِ) بی منفعت منم (۲)

۳- اگر قومِ من، اگر خویشِ من
مرا رد کنند، مرا ترک کنند

غلامِ (کنیزِ) بی منفعت منم (۲)

مزمور ۲۷: ۱۰ - Psalm 27:10

اگر چه من دلم تنگه، خداوند و خداوندم
ولی از عشقِ ایمانم، برای تو همی خوانم
تو که جانت برای من فدا کردی، فدا کردی
قسم بر تو که جان بر کف، همیشه در تو می مانم
**(چاره دل تنگی من، فقط در تو، فقط در تو
علاج این دل سنگی من، فقط با تو، فقط با تو) (۲)**

در این دنیای سختیها، در این مصیبت و تنگیها
نگاه دارم چون شیشه، کنار سنگ و صخره‌ها
تو وعده دادی در راهی، که من آن را بییمایم
همیشه در برم هستی، ای حیاتِ جاودان من
**ریشه این حیات من، فقط در تو، فقط در تو
زندگی و نجات من، فقط با تو، فقط با تو**
و یارانم به زندانن، اگر چه در فراق این عزیزانم
دل من هم در این غربت، به زندان است، به زندان است
ولی با روح تو اینجاست، که با آن من همی شادم
فقط در نام تو گویم، که اگر گویم که آزادم
**مایه آزادی من، فقط در تو، فقط در تو
مایه این شادی من، فقط با تو، فقط با تو
چاره دل تنگی من، فقط در تو، فقط در تو
زندگی و نجات من، فقط با تو، فقط با تو
مایه آزادی من، فقط در تو، فقط در تو
مایه این شادی من، فقط با تو، فقط با تو
چاره دل تنگی من، فقط در تو، فقط در تو
علاج این دل سنگی من، فقط با تو، فقط با تو**

اگه دلت شکسته، تنها شدی و خسته
غم تو دلت نشسته، تموم راه‌ها بسته
بغض داری یه دنیا، داد می‌زنی بی صدا
راه‌رهایی بازه، آمده عشقی تازه

پشتِ درِ قلبِ توست، خدایِ زنده با توست
بشکن این سکوتو، خط بزن این هبوطو
رها شو از این قفس، صدایش بزن یک نفس
پشتِ درِ قلبِ توست، خدایِ زنده با توست (۲)

اگر دنیا زده قلبت شکسته؛ اگر بیماری یا محزون و خسته
اگر بارت گران است خسته‌ای تو؛ اگر نالان شدی در مانده‌ای تو

**مسیحای خداوند رویِ دار است؛ چو آغوشش برایت باز است
اگر تو یک قدم آیی بسویش؛ مسیحا میدود هر روز بسویت (۲)**

اگر تو همچو نی باشی شکسته؛ اگر همچون فیتیله نیم سوخته
اگر دنیا برایت تیره و تار؛ گناهانت زده آتش به انبار

**مسیحای خداوند رویِ دار است؛ چو آغوشش برایت باز است
اگر تو یک قدم آیی بسویش؛ مسیحا میدود هر روز بسویت (۲)**

عروشش میشود در جشن بره؛ لباس تو سفید بدون لگه
گذارد بر سرت، تاجی ز عزت؛ نشینی در کنارش با اُبّهت

**مسیحای خداوند رویِ دار است؛ چو آغوشش برایت باز است
اگر تو یک قدم آیی بسویش؛ مسیحا میدود هر روز بسویت (۲)**

۱- اگر شادمان هستی دست بزن، اگر شادمان هستی دست بزن

اگر شادمان هستی و غمی نداری، اگر شادمان هستی دست بزن

۲- اگر شادمان هستی پا بزن، اگر شادمان هستی پا بزن

اگر شادمان هستی و غمی نداری، اگر شادمان هستی پا بزن

۳- اگر شادمان هستی بشکن بزن، اگر شادمان هستی بشکن بزن

اگر شادمان هستی و غمی نداری، اگر شادمان هستی بشکن بزن

۴- اگر شادمان هستی بگو آمین، اگر شادمان هستی بگو آمین

اگر شادمان هستی و غمی نداری، اگر شادمان هستی بگو آمین

۵- اگر شادمان هستی همه با هم، اگر شادمان هستی همه با هم

اگر شادمان هستی و غمی نداری، اگر شادمان هستی همه با هم

اگر کُفر است مسیحا را، که فرزند خدا دانم
اگر شرک است که عیسی را، خداوند و خدا خوانم
اگر دست خورده انجیل و، صلیبش کذب بسیار است
مرا پس کافر دان، چو مُشرک بر خدا خوانم

**بله من کافر اما، مطیع مُردگان هرگز
مطیع ابن یزدانم، که او را در سماء دانم (۲)**

مقام کُفر می‌ارزد، به دیدار و نجات او
چو بینا گشته‌ام از او، مسیحا را شفا دانم
شفا از دست یزدان است، نی از افعال انسانی
خدا تنها کند احیا، من او را چون خدا دانم (۲)

**بله من کافر اما، مطیع مُردگان هرگز
مطیع ابن یزدانم، که او را در سماء دانم (۲)**

شفا از دست یزدان است، نی از افعال انسانی
خدا تنها کند احیا، من او را چون خدا دانم (۲)

(آگه نده شکوفه، دیگه درختِ انجیر،

آگه میوه نیاره، درختِ انگورِ پیر) (۲)

من شادم در خداوند، هیچ غصّه‌ای ندارم، با قوّتِ مسیح، همچون آهو میخرامم (۲)

حتّی آگه که از بین بره، محصولِ زیتون،

آگه مزرعه باشه، یکسر همش بیابون

گُشنه بمیره گلّه، تنها میون صحرا،

خالی بمونه آغول، (از رمه سرد و تنها) (۲)

من شادم در خداوند، هیچ غصّه‌ای ندارم، با قوّتِ مسیح، همچون آهو میخرامم (۲)

(آگه نده شکوفه، دیگه درختِ انجیر،

آگه میوه نیاره، درختِ انگورِ پیر) (۲)

من شادم در خداوند، هیچ غصّه‌ای ندارم، با قوّتِ مسیح، همچون آهو میخرامم (۲)

(Aghe nade shokoufe, dighe derakhte angir,

Aghe mive nayaare, derakhte anghore peer) (2)

Man shaadam dar khodaavan, hich ghossei nadaaram, baa ghovvate Masih, hamchoon aaho mikharaamam (2)

Hattaa aghe ke as bain bere, mahsole zayton,

Age mazrae baashe, yeksar hamash biyaabun

Ghoshne bemire ghalle, tanhaa mione sahraa,

(Khaali bemone aagul, as rame sard o tanhaa) (2)

Man shaadam dar khodaavan, hich ghossei nadaaram, baa ghovvate Masih, hamchoon aaho mikharaamam (2)

(Aghe nade shokoufe, dighe derakhte angir,

Aghe mive nayaare, derakhte anghore peer) (2)

Man shaadam dar khodaavan, hich ghossei nadaaram, baa ghovvate Masih, hamchoon aaho mikharaamam (2)

۱- الا ای گرانباران، الا ای زحمتکشان

بیایید نزد شبان، بگیریید در او امان

حمدت میگوییم، شکر ت میکنیم، مسیح عیسی، خداوندا (۲)

او کفاره ماست، نجات در او پیدااست

حمدت میگوییم، شکر ت میکنیم، مسیح عیسی، خداوندا (۲)

۲- تو از عالم بالا، آمدی شدی انسان

شبان نیکو شدی، برای گوسفندان

حمدت میگوییم، شکر ت میکنیم، مسیح عیسی، خداوندا (۲)

او کفاره ماست، نجات در او پیدااست

حمدت میگوییم، شکر ت میکنیم، مسیح عیسی، خداوندا (۲)

۳- نجات آسمانی، حیات جاودانی

عطا کردهای به ما، آب زندگانی

حمدت میگوییم، شکر ت میکنیم، مسیح عیسی، خداوندا (۲)

او کفاره ماست، نجات در او پیدااست

حمدت میگوییم، شکر ت میکنیم، مسیح عیسی، خداوندا (۲)

۱- الوهيم، الوهيم، الوهيم؛ خدای قوتها.

الوهيم، الوهيم، الوهيم؛ خدای لشکرها.

دستها برافرازيم؛ او را پرستيم.

الوهيم، الوهيم، تمجيد کنیم؛ نام عظيمش.

۲- هوشيعانا، هوشيعانا، هوشيعانا؛ شاه صلح و صفا.

هوشيعانا، هوشيعانا، هوشيعانا؛ شاه شاهان عيسى.

دستها برافرازيم؛ او را پرستيم

هوشيعانا، هوشيعانا، تمجيد کنیم؛ نام جلالش را.

۳- يهوه، يهوه، يهوه؛ آن قادر يکتا.

يهوه، يهوه، يهوه؛ جلال بی همتا.

دستها برافرازيم؛ او را پرستيم.

يهوه، يهوه، يهوه؛ نام جاويدش را.

۱- الهی نور تو هر دم عیان است
جهان در زیر فیضی رایگان است
مسیحا آن که نور این جهان است
کز او روشن زمین و آسمان است

**چرا راهش به منت نپویم، چرا نامش به جرأت نگویم
غلامی او داد این آب رویم، چو او آبم گشت من خاک اویم**

۲- به ما فرمود تا خود نور باشیم
نه در ظلمت شب دیجور باشیم
همه کوشیم در خدمت به یاران
که از خدمت شود عالم گلستان

**چرا راهش به منت نپویم، چرا نامش به جرأت نگویم
غلامی او داد این آب رویم، چو او آبم گشت من خاک اویم**

۱- امروز، امروز، امروز، امروز
امروز، امروز، امروز که نوروز است
درهای کرم باز است، عیدی بدهد عیسی
کین بخشش شاهانه است برگیر که از جان است (۲)

۲- در سفره نوروزیش
روح القدس و شادی است
بستان تو نجات را
چون گنج سرافرازیست (۲)
درهای کرم باز است، عیدی بدهد عیسی
کین بخشش شاهانه است برگیر که از جان است (۲)

۳- آنکس که گرفت عیدی
شادان به بر عیسی است
صلح است و صفا با او
بودن به برش کافیست (۲)
امروز، امروز، امروز، امروز...

۱- امروز برخاست مسیحا، چه فیروز است روز ما

قبر و صلیب پذیرفت، تا رهاند عاصی را

۲- هان شاه قادر برخاست، ای موت نیش تو کجاست

جلوس فرمود در سما، ای گور ظفر کی تراست

۳- ای عاصی فدیجات داد وز عذاب کردت آزاد

بر خیزاندت منجی، در سما نشینی شاد

۴- امروز برخاست مسیحا، چه فیروز است روز ما

با صوت ظفر شادان، بر گو حمد منجی را

۱- امروز برخاست مسیحا، هلولویاه، چه فیروز است روز ما! هلولویاه
قبر و صلیب پذیرفت، هلولویاه، تا رهاند عاصی را هلولویاه

۲- هان شاه قادر برخاست، هلولویاه، ای موت نیش تو کجاست؟ هلولویاه
جلوس فرمود در سما، هلولویاه، ای گور ظفر کی تراست؟ هلولویاه

۳- ای عاصی فدیہات داد، هلولویاه، وز عذاب کردت آزاد، هلولویاه
بر خیزاندت منجی، هلولویاه، در سما نشینی شاد، هلولویاه

۴- امروز برخاست مسیحا، هلولویاه، چه فیروز است روز ما، هلولویاه
با صوت ظفر شادان، هلولویاه، بر گو حمد منجی را، هلولویاه

- 1- Christ the Lord is risen today, Alleluia
Sons of men and angels say, Alleluia
- 2-Raise your joys and triumphs high, Alleluia
Sing ye heavens and earth reply, Alleluia
- 3- Lives again our glorious king, Alleluia
Where, O death, is now thy sting, Alleluia
- 4- Dying once, He all doth save, Alleluia
Where thy victory, O grave? Alleluia

۱- امروز چه روزیست؟ روز شادیست!

غمها ز جانها می‌گریزد!

چون عیسی خود را کرده عیان،

دلها ز مهر او لبریزند.

عیسی امیدم، امید جانم؛ عیسی مونس شیرین زبانم! (۲)

۲- عیسی سلطان مهر و وفا،

آمده از جانب خدا.

امروز دعوت می‌کند تو را؛

ای دوست، بشنو صدای او را.

عیسی امیدم، امید جانم؛ عیسی مونس شیرین زبانم! (۲)

۳- ای آنکه مرده‌ای در گناه،

بر خیز و بیا نزد عیسی!

بگو: "خداوند، ببخش مرا،"

به ایمان پاک و بی‌ریا.

عیسی امیدم، امید جانم؛ عیسی مونس شیرین زبانم! (۲)

۱- امروز چه روزیست روز نجات، جانها
می آید همه یکصدا بگویم، شکر، شکر
اگر چشیده‌ایم مهر منجی را،
سرور بسازیم برای عیسی

یکی دفع، یکی عود، و یکی بربط (۳)

هللویا، هللویا

۲- درد و غم و سختی این دنیا، هرگز
نمی‌کند کم شادی ما را، هرگز
مثل درختی کنار نهرها،
همیشه سبز و خرم و شادیم

یکی دفع، یکی عود، و یکی بربط (۳)

هللویا، هللویا

۳- سوار بر اسبها همی آید، داماد
شاه شهان قلب ما باشد، عیسی
شادیم و شادیم همگی با هم،
سرود بخوانیم، برایش هر دم

یکی دفع، یکی عود، و یکی بربط (۳)

هللویا، هللویا

امروز روزیست، امروز روزیست،

که خدا داده، که خدا داده،

در آن شادیم، در آن شادیم،

که خدا داده (۲)

امروز روزیست، که خدا داده (۲)

در آن شادیم، در آن شادیم،

که خدا داده

This is the day, (2)

That the Lord has made (2)

We will rejoice (2)

And be glad in it (2)

This is the day, that the lord has made

We will rejoice, and be glad in it.

This is the day, that the Lord has made

Em-rooz roo-zeest, (2)

Keh Khodau daudeh (2)

Dar on shaudeem (2)

Ke Kho-dau daudeh (2)

Em-rooz roo-zeest, ke Kho-dau daudeh (2)

Dar on shau-deem, (2)

Keh Kho-dau daudeh

۱- امروز مسیح منجی بشر، از عرش برین وز نزد پدر
آمد به زمین با فتح و ظفر، گوید همه آن نخبه پسر

فرزندِ خداست عیسی به یقین، منجی اُمَم هم حافظِ دین

۲- چون بوده جهان در محنت و غم، در زیر گنه با رنج و آلم
آمد به زمین منجی اُمَم، تا فدیة شود از راهِ گرم

بخشیده حیات آن محیی دین، از خلق جداست عیسی به یقین

۳- نورِ ازلی گردیده عیان، در جسم مسیح آمد به جهان
پس شد گله را حامی و شبان، ره را بنمود بر این برهگان

فرزندِ خداست عیسی به یقین، زین خلق جداست آن محورِ دین

۱- امشب چه فرخنده شبی! قدوس و رخشنده شبی!
طفلی به پیش مادری، خفته است اندر آخوری.

صلح و صفا از اوست! مهر و وفا از اوست!

۲- امشب چه فرخنده شبی! قدوس و رخشنده شبی!
دیده شبانان این زمان، فوج ملک آوازه خوان،

اینک عید میلاد! خدا را جلال باد!

۳- امشب چه فرخنده شبی! قدوس و رخشنده شبی!
آورده‌ای با خود کنون، فیض و خوشی از حد فزون.

باشی رهاننده! جاوید و پاینده!

1- Silent night, holy night, All is calm, all is bright.
Round yon virgin mother and child. Holy infant so tender and mild,
Sleep in heavenly peace, Sleep in heavenly peace.

2- Silent night, holy night, Shepherds quake at the sight.
Glories stream from heaven afar, Heavenly hosts sing alleluia;
Christ the Savior, is born! Christ the Savior, is born!

3- Silent night, holy night, Son of God, love's pure light.
Radiant beams from Thy holy face, With the dawn of redeeming grace,
Jesus, Lord, at Thy birth, Jesus, Lord, at Thy birth.

امیدم در تو است خدا
قوتم در تو است خدا
زندگیم در تو است خدا
در تو (۲)

My Life is in you Lord,
My Strength is in you Lord,
My Hope is in you Lord,
In you, it's in you. (2)

I will praise you with all of my life.
I will praise you with all of my strength.
With all of my life,
With all of my strength,
All of my hope is in you.

My Life is in you Lord,
My Strength is in you Lord,
My Hope is in you Lord,
In you, it's in you. (2)

۱- اندر این جهان مملو از گناه،
دور ز آب حیات و راستی و راه،
سرگردان و بی پناه و ناامید،
به انتظار که چاره‌ای گردد پدید.

**ای منجی‌ام، تویی خدای من! ای سرورم، تویی شفای من!
ای رهبرم، تویی امید من! مسیح، ای تنها منجی جهان!**

۲- اینک از گناه و غم آزادم من.
بین چگونه در حضورش شادم من!
دائماً قلبم در جستجوی اوست،
دانم که این همه از فیض و رحم اوست.

**ای منجی‌ام، تویی خدای من! ای سرورم، تویی شفای من!
ای رهبرم، تویی امید من! مسیح، ای تنها منجی جهان!**

۳- قلب تو، ای دوست، گر در فغان بود،
عیسی را بخوان تا شیطان دور شود،
در روح و وجودت حکمرانی کند،
آرامش مسیح در تو پدید آید،

**ای منجی‌ام، تویی خدای من! ای سرورم، تویی شفای من!
ای رهبرم، تویی امید من! مسیح، ای تنها منجی جهان!**

انسانِ خاکی، محدود به زمان؛ عمرِ زمینی، کوتاه گذران
تو ای خداوند، برای زمان؛ از ازل بودی، هستی جاودان

**اکنون در این جسم، عروسِ تویم؛ به تختِ فیضت بی پروا آییم
نامت بر زبان، حمدت را خوانیم؛ دست برافراشته، تو را ستاییم**

فشار و اندوه، دردِ بی‌پایان؛ مُدام ز هر جا، آیند سویمان
عطا کن بینیم، شادیِ آسمان؛ در حضورِ تو، روح و جانمان

**اکنون در این جسم، عروسِ تویم؛ به تختِ فیضت بی پروا آییم
نامت بر زبان، حمدت را خوانیم؛ دست برافراشته، تو را ستاییم**

فراموش کنیم، دنیایِ فانی؛ محکوم به زوال، زیباییِ آن
به یاد آوریم، صلیبِ تو را؛ تنها راهِ ما، بسوی آسمان

**اکنون در این جسم، عروسِ تویم؛ به تختِ فیضت بی پروا آییم
نامت بر زبان، حمدت را خوانیم؛ دست برافراشته، تو را ستاییم (۲)**

Ensaane khaki, mahdood be zaman; more zameeni, kotaa ghozaraan

Tu ey Khodaavand, baraaeye zaman; az azal bodi, hastee jaavedaan

Aknun dar in jesm, aruse toem; be takhte fayzat be parvaa aaeem

Naamat bar zabaan, hamdat ra khaaneem; dast bar afraashte, tu raa setaeem

Feshaar o anduh, dared be paayaan; mudaam ze har jaa, aayand suyemaan

Ataa kun beeneem, shaadi aaseemaan; dar huzure tu ruhe o jaanemaan

Aknun dar in jesm, aruse toem; be takhte fayzat be parvaa aaeem

Naamat bar zabaan, hamdat ra khaaneem; dast bar afraashte, tu raa setaeem

Faraamush koneem; dunyaaye fani; mahkum be zavaal, zeebaae aan

Be yaad aavareem, saleebe tu raa; tanhaa raahe maa, besuye aaseemaan

Aknun dar in jesm, aruse toem; be takhte fayzat be parvaa aaeem

Naamat bar zabaan, hamdat ra khaaneem; dast bar afraashte, tu raa setaeem

سراینده - سارا فرد

او خداست، او خداست!

He is Lord, He is Lord

از مردگان برخاسته، او خداست!

He is risen from the dead,

And He is Lord

هر زانویی خم شود، هر زبانی بگوید!

Every knee shall bow,

Every tongue confess

عیسی خداوند است.

That Jesus Christ is Lord

رومیان ۹:۱۰، فیلیپیان ۲:۱۰-۱۱

Romans 10:9, Philippians 2:10-11

او زنده است، او قادر است؛ شایسته است، او عیسی است (۲)

۱- در تنگی و در سختیهایمان، قوت بی حدش نمایان

اگر نامش با ایمان خوانیم، شاد شوی پیروزی بی پایان

او زنده است، او قادر است؛ شایسته است، او عیسی است (۲)

۲- تمجیدش کن با قوت بخوان، حمد و تسبیحش گو فراوان

از آسمان مدد می آید، ملائک، کرّوبی، فرشتگان

او زنده است، او قادر است؛ شایسته است، او عیسی است (۲)

۳- خود را هرگز تو تنها مبین، در کنار خود عیسی را بین

توکل کن آوازش یقین، جنبش نخواهی خورد، عیسی است امین

او زنده است، او قادر است؛ شایسته است، او عیسی است (۲)

U zندهh æst, u ghaader æst; Shaayesteh æst, u Isa-st (2)

1- Dær tængi o dær sækhti hayeman; Ghovæte bi hædæsh næmayan
Ægær namæsh ba iman khanim; Shad shævi, piruzi bi payan

U zندهh æst, u ghaader æst; Shaayesteh æst, u Isa-st (2)

2- Tæmjidæsh kon ba ghovæt bekhan; Hæmd o tæsbihæsh gu færavan
Æz aseman mædæd mi ayæd; Mæla-ek, korubi, fereshtegan

U zندهh æst, u ghaader æst; Shaayesteh æst, u Isa-st (2)

3- Khod ra hæz gez to tænha mæbin; Dær kenare khod Isa ra bin
Tævækol kon avazæsh yæghin; Jonbesh nækhahi khord Isa-st æmin

U zندهh æst, u ghaader æst; Shaayesteh æst, u Isa-st (2)

۱- اوست خدای قادر، شفیع و هم ناظر!
ای زمین و آسمان، جمیع فرشتگان،

سرایید عیسی را!

۲- تسبیحش بخوانیم، بهرش دستک زنیم؛
با بربط و کرنا، با سنجهای خوش صدا،

سرایید عیسی را!

* * * * *

What a mighty God we serve (2)

Angels bow before Him.
Heaven and earth adore Him.

What a mighty God we serve.

او شبان نیکویم است در او حیات دارم

نزد آبها رهبرم است در او حیات دارم

دائم، دائم در او حیات دارم (۲)

نزد آبها رهبرم است در او حیات دارم

The Lord is my Shepherd, I'll walk with Him always

He leads by still waters, I'll walk with Him always

Always, always I'll walk with Him always (2)

او قادر است، او حاکم است!
جلال بر نام خداوند!
زیرا خدای قادر ما، سلطنت می کند!

او قادر است، او حاکم است!
جلال بر نام خداوند!
خداوند را بسرایید زیرا، سلطنت می کند!

اومدی توی دلم، وقتی دلم جونی نداشت
وقتی که عاقبتم، هیچ سر و سامونی نداشت
اشک چشممو گرفتی، شدی درمونِ دلم
هیچکسی جز تو نگفت، چی میگذره توی دلم

تنها نیستم، همیشه تو با منی، پیش منی

دردی نیست، وقتی تو باشی، تویی درمون منی

تنها نیستم، همیشه تو با منی، پیش منی

ترسی نیست، وقتی تو باشی، تویی که جون منی

بخشیدی هر چی گناه، که همه شادی کنند

همه آدمهای دنیا، با تو آزادی کنند

تو بزرگی، تو خدایی، تو همیشه لایقی

تو مهبیی، تو عجیبی، آخرِ حقایقی

(تنها نیستم، همیشه تو با منی، پیش منی)

دردی نیست، وقتی تو باشی، تویی درمون منی

تنها نیستم، همیشه تو با منی، پیش منی

ترسی نیست، وقتی تو باشی، تویی که جون منی) (۲)

۱- ای آسمان بگشای در، آرایشی نو ده دگر، عهد خدایی شد بسر
برخاست عیسی از زمین، بر جان پاکش آفرین

۲- کی جسم آن خلاق جان، ماند به خاک اندر نهان، اینک قیامش بین عیان
دیدند و ما را شد یقین، بر جان پاکش آفرین

۳- تبدیل کرد این خانه را، افروخت این کاشانه را، پر ساخت آن پیمان را
دیدند و ما را شد یقین، بر جان پاکش آفرین

۴- دادت صلائی از کرم، معدوم شد اندوه و غم، آزادیت را زد رقم
دیدند و ما را شد یقین، بر جان پاکش آفرین

۵- خیل ملائک منتظر، کروبیان در رهگذر، کآید پسر نزد پدر
دیدند و ما را شد یقین، بر جان پاکش آفرین

۱- ای امید جاودانی؛ پیک عشق و مهربانی، کنون در حضور تو؛ می سرآیم نامت اعلان نمایم

(تو همچون من؛ جامه خاکی پوشیدی، تو بهر من؛ آزمایشها کشیدی)

تو همچون من؛ رنج و سختی را چشیدی، تو بهر من؛ جور صلیب را کشیدی)

۲- نام تو بالاترین نام؛ مسح تو پرکرده این جام، کنون در حضور تو؛ می سرآیم نامت اعلان نمایم

(تو همچون من؛ جامه خاکی پوشیدی، تو بهر من؛ آزمایشها کشیدی)

تو همچون من؛ رنج و سختی را چشیدی، تو بهر من؛ جور صلیب را کشیدی)

۳- دست در دست تو دارم؛ از جفا بیمی ندارم، کنون در حضور تو؛ می سرآیم نامت اعلان نمایم

(تو همچون من؛ جامه خاکی پوشیدی، تو بهر من؛ آزمایشها کشیدی)

تو همچون من؛ رنج و سختی را چشیدی، تو بهر من؛ جور صلیب را کشیدی)

1. Ey omide jauvedauni, Peike eshgho mehrabauni, konoon dar hozou-re tou, misarauyam, naumat elaun namauyam
**(Tou hamchon man, Jaumeye khauki pooshidi, To hamchon man, ranjo sakhti rau cheshidi,
Tou bahre man, zemauyeshhau keshidi, Tou bahre man, joure salib rau keshidi)**

2. Naume tou balautarin naum, Mas-he tou, por kardeh een jaum. Man konoon dar hozou-re tou, misarauyam, naumat elaun namauyam
**(Tou hamchon man, Jaumeye khauki pooshidi, To hamchon man, ranjo sakhti rau cheshidi,
Tou bahre man, zemauyeshhau keshidi, Tou bahre man, joure salib rau keshidi)**

3. Dast dar daste tou dauram, az jafau bimi nadauram. konoon dar hozou-re tou, misarauyam, naumat elaun namauyam
**(Tou hamchon man, Jaumeye khauki pooshidi, To hamchon man, ranjo sakhti rau cheshidi,
Tou bahre man, zemauyeshhau keshidi, Tou bahre man, joure salib rau keshidi)**

1- Oh the eternal hope, the message of love and kindness,
I raise my voice now at your presence and proclaim your name
**((Just like me you took a body of dust and went through the difficulties,
and for my sake you went through tests and took the hardship of the cross))**

2- Your name is the highest name, Your anointing filled my cup,
I raise my voice now at your presence and proclaim your name
**((Just like me you took a body of dust and went through the difficulties,
and for my sake you went through tests and took the hardship of the cross))**

3- I put my hand in yours, I am not afraid of troubles,
I raise my voice now at your presence and proclaim your name
**((Just like me you took a body of dust and went through the difficulties,
and for my sake you went through tests and took the hardship of the cross))**

Just Like Me/Tou Hamchon Man

تو همچون من، شعر از شهریار - بر وزن آهنگ خزان و یگن

ای ایمانداران آماده بشوید

که مسیح می آید

آماده دیدنش

بیدار باشید، دعا کنید، در مسیح بمانید

چونکه داماد مانند دزد سر زده می آید

داماد می آید

اینست امید ما امید عظیم

که مسیح می آید

ای ایمانداران آماده بشوید

آماده دیدنش (۲)

ای برادران من، خوشی دل من؛ خوشی دل من و دعای من!

۱- چقدر دلپسند است که با هم ساکن شویم؛

نام عزیز او را با هم جلال دهیم! (۲)

ای برادران من، خوشی دل من؛ خوشی دل من و دعای من!

۲- محبت خداوند در ما چه ها کرده؛

همه مومنین را یکدلی بخشیده! (۲)

ای برادران من، خوشی دل من؛ خوشی دل من و دعای من!

۳- خداوند امر کرده پایت را بشویم؛

آنچه را که او داده با تو قسمت کنم! (۲)

ای برادران من، خوشی دل من؛ خوشی دل من و دعای من!

۴- خداوندا، فیض بده محبت نمایم؛

تا جانم را در راه برادران نهم! (۲)

ای برادران من، خوشی دل من؛ خوشی دل من و دعای من!

۱- ای بیت‌لحم از قدر تو کاهیده کوچیکیت
سکوتِ آسمانِ تو محو کرده زندگیت
لیکن در تو رخشانست نور هر دو عالم
امیدِ عمرِ ما همه پیدا در تاریکیت

۲- زانکه مسیحا شاه ما اکنون مولود گردید
آن نور و آن مظهر حق اکنون بر ما رسید
شادی و وجد بنمایید ای مومنان از دل
مژدهٔ صلح بخلق دهید خدا را حمد کنید

۳- بر مومنان بادا نوید که نور حق عیسی
بهر گنهکاران آمد بنماید جان فدا
ای عاصیان بگشایید قلب پر از خطا
تا دوستِ گمراهان آید در آنجا گیرد جا

۴- جلوه حق ای مسیحا در قلبم جای گیر
لطفت عیان گردان بمن دورم کن از شریر
هر چند قلبم ناپاک است بیا بیا بیا
با نور پاک خود گردان این قلبم را منیر

۱- ای پادشاه جلال، سرور سلامتی؛
تو پادشاه عادل هستی، مالک همه گیتی.

فرشتگان پرستند و بستایند خدا را؛
کلام حیات ابد، عیسی مسیح تویی خدا.

۲- هوشیعیانا بر پسر داودا، هوشیعیانا خوانیم خدای ما،
در اعلیٰ علین، جلالت دهیم، عیسی مسیح تویی خدا.

فرشتگان پرستند و بستایند خدا را؛
کلام حیات ابد، عیسی مسیح تویی خدا.

**ای پدر نام تو قدّوس، ای پدر شاهی و قدّوس
آید آن سلطنت تو، بر زمین خدای قدّوس**

آن اراده عظیمت، بر سما و بر زمینت
آید و جاری و جاوید، حمد کنم نام عظیمت
(نان روزیم عطا کن، فقرِ روحم را دوا کن
قرض من را تو ببخشا، فیض ببخشم عطا کن) (۲)

**(ای پدر نام تو قدّوس، ای پدر شاهی و قدّوس
آید آن سلطنت تو، بر زمین خدای قدّوس**

آن اراده عظیمت، بر سما و بر زمینت
آید و جاری و جاوید، حمد کنم نام عظیمت
امتحانم تو مفرما، ناتوانم عفو فرما
از شریر من را رها کن، قوتی نو هدیه فرما
سلطنت، جلال و قوت، بر تو ای خدای رحمت

بر تو ای خدای قدّوس، تا ابد جلال و قدرت) (۲)

Ay pedar naame to ghoddos, ay pedar shaahi o ghoddos
Aayad aan saltanate to, bar zamin khodaaye ghoddos

Aan eraadea azimat, bar samaa o bar zaminat

Aayad o jaari o jaavid, ham konam naame azimat

(Naane roziam ataa kon, faghre roham ra davaa kon

Gharze man raa to bebakhshaa, fayz bebakhsham ataa kon) (2)

(Ay pedar naame to ghoddos, ay pedar shaahi o ghoddos

Aayad aan saltanate to, bar zamin khodaye ghoddos

Aan eraadea azimat, bar samaa o bar zaminat

Aayad o jaari o jaavid, hamd konam naame azimat

Emtehaanam to mafarmaa, naatavaanam afv farmaa

Az sharir man raa rahaa kon, ghovvati no hedye farmaa

Saltanat, jalaal o ghovvat, bar to ay khodaaye rahmat

Bar to ay khodaaye ghoddos, taa abad jalaal o ghodrat) (2)

ای تمامی زمین خداوند را، آواز شادمانی دهید
خداوند را با شادی عبادت نمایید، به حضورش با ترنم آید
خداوند نیکوست خداوند نیکوست رحمت او تا ابدالآباد (۲)
به دروازه های او با حمد بیاید، به صحنهای او با تسبیح
او را حمد گوید و متبارک خوانید، زیرا که خداوند ما نیکوست
خداوند نیکوست خداوند نیکوست رحمت او تا ابدالآباد (۲)

* * * * *

I will enter in his gates
with thanksgiving in my heart
I will enter in his courts with praise
For I know this is the day, That the Lord has made
I will rejoice for He has made me glad
HE HAS MADE ME GLAD (2)
I will rejoice for He has made me glad

ای تمامی زمین، خداوند را بسرایید
کارهای عظیم و جلالش را، به مردم بازگو کنید
چون عظیم است

قدرت و جلالش، شادی کنید

خداوند سلطنت می کند (۲)

Sing on to the Lord, all the earth
His salvation, proclaim day to day
His wonderful deeds and His glory
Are made known among all the earth
For great is He
His strength and Majesty, Rejoice, Rejoice,
For the Lord, He reigns (2)

Ey tamaa-mi-ye zamin
Khodavand raa be-sa-ra-yeed
Kaar-haa-ye azime o jalaalash raa
Be mardom baz-goo konid
Chon azeem ast
Ghod-rat o ja-laalash, Shaadi konid,
Khodaavand saltanat mikonad (2)

ای تو که گریان هستی، چرا سرود نمی خوانی؟

سرود در تاریکی، موجب معجزه شود.

پولس و سیلاس درب زندان فیلیپی را؛

با سرودها گشودند، درب عذاب را؛

با سرود، با سرود، با سرود، با سرود.

ای تو که گریان هستی، چرا دعا نمی کنی؟

دعا در تاریکی، آسمان را تکان دهد.

همه مشکلات خود را به خدا بسپار؛

تسلّی و نجات یابی، و آرامش را؛

تا ابدالآباد، تا ابدالآباد.

ای خالقِ این جهان، تویی نورِ بیکران

قدرتِ تو جاودان، ای ایزدِ مهربان

اکنون آزادم نما، از اسارتِ شیطان

بر من ترحم فرما، باز هم ای شاه شاهان

ای خداوندِ عیسی، ای خداوندِ یکتا

مرا از خواهشِ جسم، به یکباره کن رها

اکنون آزادم نما، از اسارتِ شیطان

بر من ترحم فرما، باز هم ای شاه شاهان

(اکنون آزادم کردی، از اسارتِ شیطان

بر من ترحم کردی، باز هم ای شاه شاهان) (۲)

Ay Khaalegh in jahaan, ay toei nore bikaraan

Ghodrate to jaavedaan, ay izade mehrabaan

Aknon Azaadam namaa, az esarate sheitaan

Bar man tatahom farmaa, baaz ham ay shaahe shaahaan

Ay Khodaavandam Isaa, ay Khodaavande yektaa

Maraa az khaaheshe jesm, be yekbaare kon rahaa

Aknon Azaadam namaa, az esarate sheitaan

Bar man tatahom farmaa, baaz ham ay shaahe shaahaan

(Aknon Azaadam kardi, az esarate sheitaan

Bar man tatahom kardi, baaz ham ay shaahe shaahaan) (2)

ای خالقِ یگانه، ای نورِ جاودانه
نامت بر قلبم نشست، زد آنجا یک جوانه (۲)
جوانه شاخه گشته، شاخه‌های پُر ثمر
بیشتر شوند بارور، طلب کنم ای پدر (۲)

ای پدر، ای پدر، ای پدر، ای پدر

با نورِ رحمتِ خود، کن تو ما را منور
در این دنیای تاریک، نگذار شوم پَر، پَر
بر من تو رهبری کن، ای سالار و ای سرور
در این دنیای فانی، بی تو هستم مکدر
ای پدرِ آسمانی، قلب مرا تو خوانی
بهتر از من میدانی، ای پدرِ آسمانی
در من باش یار و یاور، از هر کسی عزیزتر (۲)

عزیزتر، عزیزتر، عزیزتر، عزیزتر

Ay khaaleghe yeghaane, ay nore jaavedaane
Naamat bar ghalbam neshast, zad aanjaa yek javaane (2)
Javaane shaakhe ghashte, shaakhe-haaye por samar
Bishtar shavand bar-var, talab konam ay Pedar (2)

Ay Pedar, Ay Pedar, Ay Pedar, Ay Pedar

Baa nore rahmate khod, kon to maa raa monavvar
Dar in donyaaye Tarik, naghzaar shavam par, par
Bar man to rahbari kon, ay saalaar o ay sarvar
Dar in donyaaye faani be to hastam mokaddar
Ay Pedare aasemaani, ghalbe maraa to khaani
Behtar az man midaani, ay Pedare aasemaani
Dar man baash yaar o yaavar, az har kasi aziztar (2)

Aziztar, Aziztar, Aziztar, Aziztar

۱- ای خدا، طالب بیداریم، محو شده آرامی و شادیم.
دانم جدا ز تو نیست قدرتی، نه آرامش و نه هیچ محبتی.
خداوند، نورت را بر من بتاب، حاضرم تا بشنوم هر نوع عتاب.
منتظرم تا دهی مرا جواب!

۲- ای مسیح، تو دانی ضعف مرا، پریشانی و هم درد مرا!
روح پاکت مرا احیا کند، بر وجودم همچو بادی می دمد!
خداوند، نورت را بر من بتاب، حاضرم تا بشنوم هر نوع عتاب.
منتظرم تا دهی مرا جواب!

۳- آتش روح تو سوزد وجود، بخشد هم در دلم صوت و سرود!
پر نمایی ظرف خاکی ام به روح، تا کنم اعلام حقیقت را چو نوح!
خداوند، نورت را بر من بتاب، حاضرم تا بشنوم هر نوع عتاب.
منتظرم تا دهی مرا جواب

ای خدای جاودانی، ای محبوبِ دلِ من؛ تویی قدّوس و روحانی، امیدِ زندهِ من
در دعا با تو نشستم، ای همدلِ دلِ من؛ من تو را در روح پرستم، ای خدای من
تو راه و راستی و حیاتی، ای نورِ عالمِ من؛ تو تنها راهِ نجاتی، منجی و سرورِ من
روز و شب در فکرِ تو هستم، ای یار و یاورِ من؛ من فقط مشتاقِ تو هستم، ای عیسی من

لحظه‌ای با تو، در کلامِ تو؛ وجودم آزاد میشه، چون پرنده سوی تو

لحظه‌ای با تو، در کنارِ تو؛ بهتر از صد سال رفاه، دور از روی تو

ای خدای من، ای عیسی من؛ اشتیاقِ تو، می‌سوزه در من

ای شفیعِ من، ای امیدِ من؛ انتظارِ تو، می‌جوشه در من

لحظه‌ای با تو، در کلامِ تو؛ وجودم آزاد میشه، چون پرنده سوی تو

لحظه‌ای با تو، در کنارِ تو؛ بهتر از صد سال رفاه، دور از روی تو

Ay Khodaaye jaavedaani, ay mahbobe dele man; Toyee ghoddos o rohaani, ommide zende man
Dar doaa baa to neshastam, ay hamdame dele man; Man to raa dar roh parastam, ay khodaaye man

To raah o raasti o hayaati, ay nore aalame man; To tanhaa raahe nejaati, monji o sarvare man
Ros o shab dar fekre to hastam, ay yaar o yaavare man; Man faghat moshtaaghe to hastam, ay Isaaye man

Lahzeai baa to, dar kalaame to; Vojudam aazaad mishe, chon parande soye to

Lahzeai baa to, dar kenaare to; Behtar az sad saal refaah, dor az roye to

Ay Khodaaye man, ay Isaaye man; Eshteyaage to, misoze dar man

Ay shafie man, ay omide man; Entezaare to, mijoshe dar man

Lahzeai baa to, dar kalaame to; Vojudam aazaad mishe, chon parande soye to

Lahzeai baa to, dar kenaare to; Behtar az sad saal refaah, dor az roye to

ای خداوند پر جلالم تو را خواهم، تو را جویم

چون خواهم باشم، در حضورت

Ay khodavand-e por jalalam To ra khaham, to ra joyam

Chon khaham basham, dar hozorat

حمدت خوانم، هر آن و هر دم

گویم ز نجاتِ عظیمت ز فیض و محبتِ عجیب

صلیب بر دوش سویت آیم سرودی تازه بهرت سرایم

Hamdat khanam, har aan o har dam

Ghoyam Ze nejate azimat Ze fayze o mohabbat-e ajib

Salib bar dosh, soyat aayam Sorodi tazeh bahrat sarayam

تو خدایم، تو منجیم تویی نور، زندگیم

تویی شاهم، راه نجات تو شبانم، به تو محتاجم

To khodayam, to monjiam Toyee nor-e zendegiam

Toyee shaham, rahe nejat To shabanam, be to mohtajam

نام قدّوست، قدرت جانم کلام پاکت، غذای روحم

نور تو باشد، هادی مرا ترس تو باشد، آغاز حکمت

Name ghoddosatT ghodrate janam Kalam-e pakat, ghazaye roham

Nor-r to bashad, hadi mara Tars to bashad, aghaz-e hekmat

تسبیح دائم، ورد زبانم مژده انجیل، هر جا رسانم

نه به قدرت، نه به قوت بلکه با روح قدوس، به جرأت

Tasbihat khanam, verde zabanam Mojde-he enjil, har ja resanam

Na be ghodrat, Na be ghovat Balke fa rohe ghoddos, be jorat

تو خدایم، تو منجیم تویی نور، زندگیم

تویی شاهم، راه نجات تو شبانم، به تو محتاجم

To khodayam, to monjiam Toyee nor-e zendegiam

Toyee shaham, rahe nejat To shabanam, be to mohtajam

هر روز، به تو محتاجم

Har roz be to mohtajam

به تو محتاجم

۱- ای خداوند، پری تو را خواهیم، ثمرات و عطایای روح.
بر طبق وعده‌ات افاضه فرما، چون هستیم همه طالب رویت.
روح القدس، ای روح پاک عیسی، آن بخشنده کل نعمتها!
همچون اعضای بدن خداوند، منتظر قدرتیم از بالا!

۲- ای خداوند، اراده‌ات را دانیم، سِرِّ عظیم حکمت خدا؛
که می‌خواهی با حلول روح در ما، ظاهر کنی مهر و قدرتت را.
روح القدس، ای روح پاک عیسی، آن بخشنده کل نعمتها!
همچون اعضای بدن خداوند، منتظر قدرتیم از بالا!

۳- کلیسا اینک می‌شنود صدایت، به ترجمه زبانهای روح؛
نبوت نیز بنا کند همه را، با نصیحت و تسلی روح.
روح القدس، ای روح پاک عیسی، آن بخشنده کل نعمتها!
همچون اعضای بدن خداوند، منتظر قدرتیم از بالا!

۴- کلام علم و هم کلام حکمت، قطره‌هایی از عالم بالاست؛
تمییز دهیم ارواح به قوت روح، این عطایا بهر خدمت ماست.
روح القدس، ای روح پاک عیسی، آن بخشنده کل نعمتها!
همچون اعضای بدن خداوند، منتظر قدرتیم از بالا!

۵- به ایمان و عطایای شفاه، قدرتت ظاهر شود در هر جا.
دنیای ما طالب معجزات است؛ این است اراده تو در عیسی.
روح القدس، ای روح پاک عیسی، آن بخشنده کل نعمتها!
همچون اعضای بدن خداوند، منتظر قدرتیم از بالا!

ای خداوند تویی منشاء حیات مؤمنان! (۲)

۱- (راه و راستی و حیاتم؛ شفیع و مالک جانم؛

شبان اعظم گله، خداوندم عیسی!) (۲)

Ey Khodavænd toyi mænshæ-e hæyate momenān! (2)

1- (Rah o rasti o hæyatæm; Shæfi o maleke janæm;
Shæbane æzæme gæle, Khodavændæm Eesa!) (2)

ای خداوند تویی منشاء حیات مؤمنان! (۲)

۲- (ای داماد آسمانی، ای سلطان جاودانی،

عروس مشتاق دیدارت، خداوندم عیسی!) (۲)

Ey Khodavænd toyi mænshæ-e hæyate momenān! (2)

2- (Ey damade asemani, Ey soltane javedani,
Ærus moshtaghe didaræt, Khodavændæm Eesa!) (2)

ای خداوند تویی منشاء حیات مؤمنان! (۲)

۳- (تویی تاک و ما شاخه‌ها؛ ز تو یابیم فیض و صفا.

تویی ساکن در قلب ما، خداوندم عیسی!) (۲)

Ey Khodavænd toyi mænshæ-e hæyate momenān! (2)

3- (Toyi tak o ma shakheh ha; Ze to yabim feyz o sæfa.
Toyi saken dær ghæbe ma, Khodavændæm Eesa!) (2)

ای خداوند تویی منشاء حیات مؤمنان! (۲)

۴- (تویی نان زندگانی؛ کلام و روح خدایی؛

آب حیات بهر تشنه، خداوندم عیسی!) (۲)

Ey Khodavænd toyi mænshæ-e hæyate momenān! (2)

4- (Toyi nane zendegani; Kælam o ruhe Khodayi;
Abe hæyat bæhre teshneh, Khodavændæm Eesa!) (2)

ای خداوند تویی منشاء حیات مؤمنان! (۲)

Ey Khodavænd toyi mænshæ-e hæyate momenān! (2)

ای خداوند تویی منشاء حیات مؤمنان! (۲)

۱- (راه و راستی و حیاتم؛ شفیع و مالک جانم؛

شبان اعظم گله، خداوندم عیسی!) (۲)

Ey Khodavænd toyi mænshæ-e hæyate momenān! (2)

1- (Rah o rasti o hæyatæm; Shæfi o maleke janæm;
Shæbane æzæme gæle, Khodavændæm Eesa!) (2)

ای خداوند تویی منشاء حیات مؤمنان! (۲)

۲- (تویی تاک و ما شاخه‌ها؛ ز تو یابیم فیض و صفا.

تویی ساکن در قلب ما، خداوندم عیسی!) (۲)

Ey Khodavænd toyi mænshæ-e hæyate momenān! (2)

2- (Toyi tak o ma shakheh ha; Ze to yabim feyz o sæfa.
Toyi saken dær ghæbe ma, Khodavændæm Eesa!) (2)

ای خداوند تویی منشاء حیات مؤمنان! (۲)

۳- (ای داماد آسمانی، ای سلطان جاودانی،

عروس مشتاق دیدارت، خداوندم عیسی!) (۲)

Ey Khodavænd toyi mænshæ-e hæyate momenān! (2)

3- (Ey damade asemani, Ey soltane javedani,
Ærus moshtaghe didaræt, Khodavændæm Eesa!) (2)

ای خداوند تویی منشاء حیات مؤمنان! (۲)

۴- (تویی نان زندگانی؛ کلام و روح خدایی؛

آب حیات بهر تشنه، خداوندم عیسی!) (۲)

Ey Khodavænd toyi mænshæ-e hæyate momenān! (2)

4- (Toyi nane zendegani; Kælam o ruhe Khodayi;
Abe hæyat bæhre teshneh, Khodavændæm Eesa!) (2)

ای خداوند تویی منشاء حیات مؤمنان! (۲)

Ey Khodavænd toyi mænshæ-e hæyate momenān! (2)

۱- ای خداوند حمدت سرایم بهر کلیسایت
کهنانت ملوکانه امت و قوم خاصت
عیسی ای سرور ما، عیسی ای ناجی ما
عیسی ... ای قدرت ... سما ... ای پسر .. خدا

۲- کلیسا در سختی و جفا شاهد قوت تو است
در تسلی روح القدس لبریز از رحمت تو است
عیسی ای سرور ما عیسی ای ناجی ما
عیسی ... ای قدرت ... سما ... ای پسر .. خدا

۳- دانیم که حضور تو با ماست در هر زمان و مکان
و عده دادی حفظ کنی ما را از حمله‌های شیطان
عیسی ای سرور ما عیسی ای ناجی ما
عیسی ... ای قدرت ... سما ... ای پسر .. خدا

۴- ای بانی و سر کلیسا امید ما تو هستی
در خطرها و در اضطراب در بالا و پستی
عیسی ای سرور ما عیسی ای ناجی ما
عیسی ... ای قدرت ... سما ... ای پسر .. خدا

۱- ای خداوندم عیسی گناهم بخشیدی
نجات پر قدرت و فیضبخش به من دادی
اکنون اربابم هستی و من بنده تو
و چون دعوتم کردی دعایم را بشنو (۲)

۲- ای مسیح مرا خواندی که مثل تو باشم
و گمراه شدگان را هم محبت کنم
چون تو مرا دوست داشتی و آزادم کردی
شبهت در دعا درخواست کنم منجی (۲)

۳- وعده دادم ای عیسی که خدمتت کنم
تا به ابد نزدم باش ای خداوند من
از جنگ نخواهم ترسید چون تو پیشم هستی
از راه نخواهم دور شد گر هادیم باشی (۲)

۴- وعده دادی ای عیسی که من پیشت باشم
که قوت و جلالت با چشم خود بینم
در ضمن ستایش کنم تو را محبوب من
و چشمم به تو دوخته و در تو زیست کنم (۲)

ای خداوند من، سوی تو شتابد همی قلبم،
من برایت تسبیح می خوانم.
بیدار شو ای بربط و عود،
بیدار شو ای روح و جانم؛
در این صبح سحر، تو را سرایم.

هللویاه، هللویاه، خداوند من سرایم.
عیسی مسیح، عیسی مسیح، منجی من، می سرایم.

ای خداوند قلبم

۱- ای خداوند مهربان، مسیح من تویی
در تو بود نور و حیات، تویی شبان آسمانی
تنها ملجایم تو هستی، حامی و راهم تو هستی
جز تو هیچ یاری ندارم، مسیح من تویی

۲- با اشتیاقی بس عظیم، حضورت را خواهم
با حمد و تسبیح و سرود، اندر حضور تو سرایم
تنها ملجایم تو هستی، حامی و راهم تو هستی
جز تو هیچ یاری ندارم، مسیح من تویی

۳- ای خالق کل هستی، تنها ترا جویم
ای شفیع عالمیان، مسیح من تنها تو هستی
تنها ملجایم تو هستی، حامی و راهم تو هستی
جز تو هیچ یاری ندارم، مسیح من تویی

۱- ای خداوند، وعده‌های تو چه عظیم است.

بهر همه مومنین نور و یقین است!

تو را خواهم، تو را جویم، در اندرونم؛

تویی راهم، تویی نورم، تویی شبانم.

قلبم پر از حمدِ تو است مسیحِ عیسی؛

جز تو کسی را نخواهم من در این دنیا.

تو را خواهم، تو را جویم، در اندرونم؛

تویی راهم، تویی نورم، تویی شبانم.

۲- ای خالق کل هستی، اینک می‌آیم؛

با دعا و شکرگزاری، تو را می‌خوانم.

جانم اکنون مشتاق توست، منجی دنیا؛

قلب مرا با حضورت مزین فرما!

قلبم پر از حمدِ تو است مسیحِ عیسی؛

جز تو کسی را نخواهم من در این دنیا.

تو را خواهم، تو را جویم، در اندرونم؛

تویی راهم، تویی نورم، تویی شبانم

ای دوست بیا راحت این قلب حزین باش!

تو نور جهانی، به دلم جایگزین باش!

۱- وقتی که به ظلمت گردیده گرفتار؛ وقتی که مددکار عاجز شده از کار؛
وقتی که زعصیان بر من شده دشوار؛ بازآی و نجاتم ده و هم رهبر دین باش!

ای دوست بیا راحت این قلب حزین باش!

تو نور جهانی، به دلم جایگزین باش!

۲- هستم بتو محتاج هر ساعت و هر آن! فیض تو بکاهد از قدرت شیطان!
در تیرگی ابر، در نور درخشان، پیوسته بهر جای مرا یار و معین باش!

ای دوست بیا راحت این قلب حزین باش!

تو نور جهانی، به دلم جایگزین باش!

۳- وقتی که تو شاها آیی به کنارم، برکت ز تو یابم رحمت ز تو دارم
از خصم بداندیش من بیم ندارم، بازآی و بیا در برم ای شاه مکین باش!

ای دوست بیا راحت این قلب حزین باش!

تو نور جهانی، به دلم جایگزین باش!

۴- آندم که رسد عمر یکباره به آخر، آندم که تعیش گردیده مکدر
آندم که شود کون یکسر متغیر، ای لایتغیر تو مرا حص حصین باش!

ای دوست بیا راحت این قلب حزین باش!

تو نور جهانی، به دلم جایگزین باش!

۵- آلام و شدائد بالمره ز بر رفت، وز تلخی هر اشک یکباره اثر رفت
از موت بشد نیش از قبر ظفر رفت، ای ناصر من در دل من صدرنشین باش!

ای دوست بیا راحت این قلب حزین باش!

تو نور جهانی، به دلم جایگزین باش!

۶- تا نقش صلیب در دیده نمایی، تا از دل ظلمت رخشنده درآیی
درهای سماوات بر من بگشایی، در من بگزین جای و مرا روح امین باش!

ای دوست بیا راحت این قلب حزین باش!

تو نور جهانی، به دلم جایگزین باش!

آهنگ: ایرانی؛ تنظیم: ورا اردلی؛ شعر: زند ذوالقلم (س. ک. ا.)

ای دوست بیا راحت این قلب حزین باش!

تو نور جهانی، به دلم جایگزین باش!

۱- وقتی که به ظلمت گردیده گرفتار؛ وقتی که مددکار عاجز شده از کار؛

وقتی سفر عمر بر من شده دشوار؛ باز آی و نجاتم ده و هم رهبر من باش!

ای دوست بیا راحت این قلب حزین باش!

تو نور جهانی، به دلم جایگزین باش!

۲- هستم بتو محتاج هر ساعت و هر آن! فیض تو رهاند از قدرت شیطان!

در تیرگی ابر، در نورِ درخشان، پیوسته به هر جای مرا یار و معین باش!

ای دوست بیا راحت این قلب حزین باش!

تو نور جهانی، به دلم جایگزین باش!

۳- چون صبح سعادت طالع ز سما شد، هر سایه عبث بود، در نور فنا شد.

پیدایش گیتی بر نور بنا شد. ای نورِ حقیقی تو مرا نورِ یقین باش!

ای دوست بیا راحت این قلب حزین باش!

تو نور جهانی، به دلم جایگزین باش!

آهنگ: ایرانی؛ تنظیم: ورا اردلی؛ شعر: زند ذوالقلم (س. ک. ا.)

۱- ای رب عیسی تو لایقی، لایق هر پرستشی

چقدر عالیست پرستشت، پیش پایت زانو زدن

اکنون قلبم می خروشد

ستایشت را می خواهم

تو را خیلی دوست می دارم

ای رب عیسی تو لایقی

۲- ای رب عیسی یکتایی تو، یکتا هستی بینظیری

حاکم هستی در قلبهایی، همیشه تو چاره هستی

اکنون قلبم می خروشد

ستایشت را می خواهم

تو را خیلی دوست می دارم

ای رب عیسی تو لایقی

۳- ای رب عیسی تو خالقی، خالق کل عالمی

تنها تو را می پرستیم، حضورت را می طلبیم

اکنون قلبم می خروشد

ستایشت را می خواهم

تو را خیلی دوست می دارم

ای رب عیسی تو لایقی

ای روحِ تو تنیده با جانِ من
ای نفست دمیده در نایِ من
امنیت آغوشت مأوایِ من

ای عیسی

در خلوتِ سخاوتِ حضورت
تو با منی در بیکرانِ نورت
شب شکفته از برکتِ وجودت

ای عیسی

**تو پیروزی بر ترس و بر شکستم
تو مرهمی برای قلبِ خستم
در طوفانها خوانی مرا که هستم
تنها تویی مسیحِ خداوندم**

در سکوت و در خلوتِ حضورت
از خود جدا آیم به سویِ نورت
شب شعله‌ور از آتشِ وجودت

ای عیسی

**تو پیروزی بر ترس و بر شکستم
تو مرهمی برای قلبِ خستم
در طوفانها خوانی مرا که هستم
تنها تویی مسیحِ خداوندم**

۱- ای روح حق آرام جانی، بازآ، از دیده‌ها تا کی نهانی، بازآ

ما را حیات جاودانی، بازآ، بازآ و کن بر ما شبانی، بازآ

ای منجی ما جمع هالک، بازآ، با صور و آواز ملائک، بازآ

دریای رحمت، فیض و محبت، کن تو عنایت

عالم منور کن ز نورت، بازآ تعجیل کن اندر ظهورت، بازآ

۲- آینه‌ای و حق نمایی، بازآ، بازآ و کن مشکل گشایی، بازآ

ابن خدایی و خدایی، بازآ، بردار این رسم جدایی، بازآ

کروبیان اندر حضورت، بازآ، حاضر همه بهر ظهورت، بازآ

دریای رحمت، فیض و محبت، کن تو عنایت

عالم منور کن ز نورت، بازآ تعجیل کن اندر ظهورت، بازآ

۳- ای شاه ملک جاودانی، بازآ، با فوج‌های آسمانی، بازآ

با آن اساس خسروانی، بازآ، بازآی و بنما حکمرانی، بازآ

ما را ز دست غم رها کن، بازآ، پاک از گنه قلب مرا کن، بازآ

دریای رحمت، فیض و محبت، کن تو عنایت

عالم منور کن ز نورت، بازآ تعجیل کن اندر ظهورت، بازآ

ای روح‌القدس ای چشمهٔ خدا، جاری شو درون قلب ما

سیراب کن زمینِ تشنهٔ دلم، تا بهرت ثمرات آورم

کبوتر آسمانی خدا، بر قلبهای ما تو فرود آ

بگشا چشمان دل‌های ما را، تا بینیم سرّ کلامت را

ای روح‌القدس، جاری شو در ما

ای روح‌القدس ای هادی راهم، هدایت کن تو زندگی‌ام

از سرگردانی از پریشانیم، رستگاری ده باش رهبرم

کبوتر آسمانی خدا، بر قلبهای ما تو فرود آ

بگشا چشمان دل‌های ما را، تا بینیم سرّ کلامت را

ای روح‌القدس، جاری شو در ما

ای روح‌القدس تسلی روحم، در غم‌هایم تو باش همدم

در تنهایی و در ضعفِ درونم، شادی ده همی باش قوتم

کبوتر آسمانی خدا، بر قلبهای ما تو فرود آ

بگشا چشمان دل‌های ما را، تا بینیم سرّ کلامت را

ای روح‌القدس، جاری شو در ما

محبت و خوشی و سلامتی، حلم و مهربانی نیکویی

ایمان و تواضع و پرهیزکاری، میوه‌های روح الهی است

کبوتر آسمانی خدا، بر قلبهای ما تو فرود آ

بگشا چشمان دل‌های ما را، تا بینیم سرّ کلامت را

ای روح‌القدس، جاری شو در ما

کلام علم و هم کلام حکمت، ایمان و معجزات و شفا

نبوّت تمیز روح و زبانها، عطایای روح مسیحاست

کبوتر آسمانی خدا، بر قلبهای ما تو فرود آ

بگشا چشمان دل‌های ما را، تا بینیم سرّ کلامت را

ای روح‌القدس، جاری شو در ما (۴)

۱- ای روز شادمانی، ای روز با صفا

ای دافع غم و درد، رخشان چو خور به ما
در تو غنی و مسکین، راکع به پیش تخت
قدوس قدوس می خوانند، بر منجی و خدا

۲- امروز به گیتی از مهر، فیض آید از سما

بر اهل عالم اکنون، انجیل کند ندا
هر کس پذیرد عیسی، حق را شود پسر
آب حیات روانست، چون تشنه‌ای بیا

۳- توفیق تو فزاید، این روز نیک ما

راحت نموده ما را، از رنج و سختی‌ها
در قدرت روح قدس، بر اب و هم بر ابن
سجده کند کلیسا، بر منجی و خدا

۱- ای ساکنان ربع مسکون، مسیح را بنگرید! با شکوه و جلال،
می آید تا ما را نیز برد، به جایگاه آسمانی پدر.

**"نزد من آید ای گرانباران، من خود شما را آرامی خواهم بخشید!
من راه و راستی و حیات هستم، من منبع شادی الهی هستم!"**

۲- بیایید خدا را حمد کنیم، زیرا جهان را آنقدر محبت نمود،
پسر یگانه خود را داد، تا هر که ایمان آرد نجات یابد!

**"نزد من آید ای گرانباران، من خود شما را آرامی خواهم بخشید!
من راه و راستی و حیات هستم، من منبع شادی الهی هستم!"**

۳- زیرا که با مرگش بر صلیب، نجات همگی ما آماده شد.
کافیست نام عیسی را خوانیم، حیات جاودان را از امروز یابیم.

**"نزد من آید ای گرانباران، من خود شما را آرامی خواهم بخشید!
من راه و راستی و حیات هستم، من منبع شادی الهی هستم!"**

ای سرور آسمان، آمدی به این جهان

گشتی چو آدمیان،

(مصلوب بهر گناهان) ۲

کار تو تبدیل است، از موت به حیات

از ملکوت ظلمت، به ملکوت حیات

با دست مقدست، دادی شفا بیماران

بینا کردی تو کوران

(زنده کردی مردگان) ۲

کار تو تبدیل است، از موت به حیات

از ملکوت ظلمت، به ملکوت حیات

اکنون عیسی زنده است، تا تو را تبدیل کند

روح و جانهای ما را

(او احیا می کند) ۲

کار تو تبدیل است، از موت به حیات

از ملکوت ظلمت، به ملکوت حیات

ای سرور آسمان، آمدی به این جهان

گشتی چو غلام

بهر ما مردمان، بهر ما مردمان

کارِ تو تبدیل است، از موت به حیات

از برهوت ظلمت، به ملکوت حیات

با دست مقدست، شفا دادی بیماران

بینا ساختی کوران

زنده ایلعازرهای زمان، زنده ایلعازرهای زمان

کارِ تو تبدیل است، از موت به حیات

از برهوت ظلمت، به ملکوت حیات

کنون عیسی زنده است، تا تبدیل کند

قلب و روح مردهات را، او احیا کند

کارِ تو تبدیل است، از موت به حیات

از برهوت ظلمت، به ملکوت حیات

ای سرور آسمان، آمدی به این جهان

گشتی چون غلام، (بهر ما مردمان) ۲

Ey særvære aseman, aamædi beh in jæhan
Gæshti chon gholam, (bæhre ma mardoman) 2

با دست مقدّست، دادی شفا بیماران

بینا کردی کوران، (زنده ایلعازرهای زمان) ۲

Ba dæste moghædæsæt, Dadi shæfa bimaran
Bina kardi kuran, (Zendeh Ilazarhaye zaman) 2

کار او تبدیل است، از موت به حیات؛ از تاریکی و ظلمت، به ملکوت حیات (۲)

Kare Oo tæbdil æst, Æz mot beh hæyat; Æz tariki o zolmæt, Beh mælækute hæyat (2)

مریم را رهایی، از دیوها دادی، لجان دیوانه، عاقل گشته

نزد مسیحش نشست، بر سر سفره لاوی، او را متی نام نهادی

شمعون را پطرس (صخره نام نهادی) (۲)

Maryam ra rahaei, as divha dadi, Lejane divane, aaghel ghashte
Nazde masihash neshaste, bar sare sofre Lavi, oo ra Mata nam nahadi

Shamoon ra Petrus, (Sakhre nam nahadi) (2)

کار او تبدیل است، از موت به حیات؛ از تاریکی و ظلمت، به ملکوت حیات (۲)

Kare Oo tæbdil æst, Æz mot beh hæyat; Æz tariki o zolmæt, Beh mælækute hæyat (2)

(کنون عیسی زنده است، تا تبدیل کند

روح و جان مردهات را، او احیا کند) (۲)

Knun Isa zendeh æst, Ta tæbdil konæd
Ruh o jane mordehat ra, (Oo æhya konæd) 2

کار او تبدیل است، از موت به حیات؛ از تاریکی و ظلمت، به ملکوت حیات (۲)

Kare Oo tæbdil æst, Æz mot beh hæyat; Æz tariki o zolmæt, Beh mælækute hæyat (2)

سراینده: وارثان

۱- ای سرور و سردارِ من، ای صاحب و سالارِ من

ای روحِ من ایمانِ من، ای مونس و غمخوارِ من

۲- من روز خود با نام تو، با تکیه برگفتار تو

آغاز کنم عیسای من، دست من و دامان تو

۳- من قاصد عشقم شها، پیغام عشقت را خدا

من با دل و جان میبرم، با چنگ و دندان میبرم

۴- در راه دریا و هوا، گفتار شیرین تو را

از دره، و کوه، و کمر، تا عرش اعلا میبرم

۵- این چاکر درگاه تو، منتظر دیدار تو

ای با صفا، ای با وفا، لطفی نما بهر وفا

مهری - تورنتو

۱- ای صالحان در خدا شادی نمایید
ای عادلان او را تسبیح بخوانید
با بربط و عود بهرش سرود بخوانید
چون جهان از رحمت خداوند پر است

۲- ای صالحان بر او توکل دارید
ای عادلان رحمتش را دوست بدارید

خوشا بحال صالحان خوشا بحال عادلان
خوشا بحال آنانکه مسیح هست خداوندشان

۳- چشمان خداوند بر صالحان می‌نگرد
گوشهای وی آنها را می‌شنود

صالحان را کمی نیست صالحان را غمی نیست
صالحان را کمی نیست صالحان را غمی نیست

۴- ای صالحان منتظرش بمانید
ای عادلان بازگشت او را خواهید

خوشا بحال صالحان خوشا بحال عادلان
خوشا بحال آنانکه مکتوب است نامشان

۱- ای عاصی برخیز چشمانت را بگشا نجات تو، آمده
فدیه جانت و بهر گناهت عیسی مسیح آمده

گو هلوپاه گو هلوپاه هلوپاه حمد، بر او

۲- از شهر داود خداوند قدیر پیروزی داد، بهر تو
با خون عیسی ترا رهانیده و عدالت گشته

گو هلوپاه گو هلوپاه هلوپاه حمد، بر او

۳- در وقت سختی ترا رهانیده و پاداش، نیک داده
او است یهوه نجات دهندهات و شبان جان تو

گو هلوپاه گو هلوپاه هلوپاه حمد، بر او

۴- حصارهایت را نجات خواهی نامید دروازهها، را تسبیح
زیرا یهوه نور جاودانیت و خدا زیبایی تو

گو هلوپاه گو هلوپاه هلوپاه حمد، بر او

۱- ای عیسی ای مالک راستی ای منجی عالم هستی
مهرت اندر قلب ما دائم ماند از حال تا ابد قائم
ای خداوند ابدی عالم سما فدیه و بخشش عظیم روح خدا
ای محبت ابدی ای خداوند ازلی
در تو دائم هستی و حیات و نجات ما
باشد کنون تا ابد بهر ما

۲- ای عیسی ای فرزند خدا ای آرمان و آرزوی ما
آریم بهرت این تن و روان یابیم نزدت آرامی جان
ای شاه سرمدی و سرور سلامتی ممیز حق و باطل تنها تو هستی
ای کاهن اعظم ما ای شبان نیکوی ما
در آستان درگاه تو آییم ما با ایمان
گوییم پدر بخشا راحت جان

۳- ای عیسی ای منجی جانم ای که هستی شهره عالم
تابان در قلبم نورت دائم در تو ماند ایمانم قائم
ای بره قربانی صلیب جلجتا در تو باشد بس ایمان و امید و وفا
ای که تویی پور خدا یگانه روح خدا
در راه تو کی ارزشی دارد این جان ما
چون تنها تو هستی امید ما

بر وزن سرود ملی (ای ایران)

ای عیسی، با مرگت، لعنت و موت را برداشتی

ای مسیح، شاه من، با خونت مرا شستی

بر صلیبِ جلجتا، عشقت را ثابت کردی

روز سوّم پس از مرگ، خداوندم قیام کردی

تمام شد، مسیح برخاست، از مردگان، او قیام کرد (۲)

ای عیسی، با مرگت، لعنت و موت را برداشتی

ای مسیح، شاه من، با خونت مرا شستی

بر صلیبِ جلجتا، عشقت را ثابت کردی

روز سوّم پس از مرگ، خداوندم قیام کردی

تمام شد، مسیح برخاست، از مردگان، او قیام کرد (۴)

تمام شد (۳)

۱- ای عیسی زیبا، خالق طبیعت، پور خدا، پسر انسان
ترا می پرستم، تو را می ستایم، ای شادی و تاج فخرم

۲- زیباست چمن زارها، زیبا تر دشت و دمن، غرق شکوفه در صبح بهار
عیسی زیبا تر است، عیسی نیکوتر است، و قلبم را شادان سازد

۳- خور باشد چه زیبا، ماه گر چه دل آرا، و ستارگان آسمان
عیسی نورانی تر، عیسی زیبا تر، از فرشتگان آسمان

۴- ای منجی زیبا، خداوند دنیا، پور خدا پسر انسان
جلال عزت و فر، حمد و ستایش بر تو تا به ابد آباد

ای عیسی، منجیم
خداوند بی همتا
تمام عمر، می ستایم
عظمت مهرت را
آرامی دهنده
پناهگاه مستحکم
با هر نفس می پرستم
خود را تقدیمت سازم
آیید ستایش و حمدش گوئیم
بهر شاه شاهان سرود خوانیم
خلقت و کل هستی
در حضورش تعظیم کند
با شور و شوق
حمد نامش خوانیم
تا ابد به او وفادار می مانیم
وعده‌هایت بی نظیر است
ای خداوند

ترجمه شعر: ویدا کانینگهام

۱- ای عیسیٰ نزد من بیا، بفر من باش ره‌نما
در دست‌های این جانم، ای هادی نیکویم

(تشنه و جودتم، تشنه حضورتم)

درخواست کنم منجیم همیشه باش رهبرم (۲)

۲- قلبم را نگشایم، هیچکس را جا ندهم
تنها حضورت خواهم، ای عیسیای مصلوبم

(تشنه و جودتم، تشنه حضورتم)

درخواست کنم منجیم همیشه باش رهبرم (۲)

۳- به تو توکل دارم، در هر چیز باش رهبرم
سلطنت کن در قلبم، ای مسیح محبوبم

(تشنه و جودتم، تشنه حضورتم)

درخواست کنم منجیم همیشه باش رهبرم (۲)

۱- ای عیسی نزد من بیا، بھر من باش رهنما

در دستھایت این جانم، ای هادی نیکویم

تشنه وجودتم، تشنه حضورتم؛ در خواست کنم منجیم همیشه باش رهبرم (۲)

۲- قلبم را نگشایم، هیچکس را جا ندهم

تنها حضورت خواهم، ای عیسی مصلوبم

تشنه وجودتم، تشنه حضورتم؛ در خواست کنم منجیم همیشه باش رهبرم (۲)

۱- ای رب عیسی من گل؛ سن منیم رهبریم آل

جانیم سنین آئند

ای سوگلی رب عیسی (۲)

(جانیم سن سیس سوسوزدی؛ سن سیس حیاتیم یو خودی

یالوارام رب عیسی؛ گل منیم رهبریم آل) (۲)

۲- قلبیم سن وردیم؛ هر زمان سن شاهم سان

هر من سنن سودیم

ای سوگلی رب عیسی (۲)

(جانیم سن سیس سوسوزدی؛ سن سیس حیاتیم یو خودی

یالوارام رب عیسی؛ گل منیم رهبریم آل) (۲)

آذری - فارسی - ۲۰۱۵

ای عیسی هستی خدای ما، ای خدای مهربان ما
عشقت در دل چون نشسته شد، شیطان دست و پا شکسته شد
ای بره خدا امید ما فقط تویی، نور جاودان این زمان فقط تویی

خون تو شد رفع گناه، ما با تویم شاد و رها
در سایه امن بزرگ خدای پدر، ما زندگی می کنیم با پسر
ای بره خدا امید ما فقط تویی، نور جاودان این زمان فقط تویی

مرگت را باور نمی کنیم، زیرا می دانیم که زنده ای
ایمان داریم جملگی به تو، عیسی دنیا را بهانه ای
ای بره خدا امید ما فقط تویی، نور جاودان این زمان فقط تویی

من با توام تو با منی، من در توام تو در دلی
در سایه امن بزرگ خدای پدر، ما زندگی می کنیم با پسر
ای بره خدا امید ما فقط تویی، نور جاودان این زمان فقط تویی

بر حسب سرود ملی ایران "ای مرز پر گهر" شعر از فرید در تایلند

۱- ای فرزندان نور، گرد هم بیایید؛

با شادی و سرود، او را بسرایید!

اندر حضور وی دستها برافرازید!

منجی عالم را، شکر و سپاس گوید! (۲)

۲- ای قوم خاص او، در روح قوی باشید؛

پیروزی عیسی را، از آن خود دانید!

اندر حضور وی دستها برافرازید!

منجی عالم را، شکر و سپاس گوید! (۲)

۳- ای گله خدا، نزد شبان آید؛

در هر غم و سختی، عیسی را بخوانید!

اندر حضور وی دستها برافرازید!

منجی عالم را، شکر و سپاس گوید! (۲)



۱- ای فروغ جاودان، ای مسیح نور جهان؛

خالق ارض و سما؛ راحت و امید ما!

در نور رویت، آیم به سویت؛ حمدت کنم بهر فیض عظیمت!

تویی خدایم، مهر و صفایم، تویی نجاتم و تویی شفایم!

۲- ای خورشید عالمتاب، بر من مسکین بتاب!

گر می انوار تو، بخشد مرا قلبی نو!

در نور رویت، آیم به سویت؛ حمدت کنم بهر فیض عظیمت!

تویی خدایم، مهر و صفایم، تویی نجاتم و تویی شفایم!

۳- ای خداوند کریم، پُر ز احسان و رحیم،

بشنو این دعایم را، شکر ت گویم در هر جا!

در نور رویت، آیم به سویت؛ حمدت کنم بهر فیض عظیمت!

تویی خدایم، مهر و صفایم، تویی نجاتم و تویی شفایم!

ای قادر قدوس خدا امانت بی حد

ای قادر قدوس خدا پر جلال و قادری

بهایم دشت و پرندگان در سکوت حمدت سرایند

زمین خاموش است، لیک من سرایم، نام پر جلال تو را

بگذار سنگها همواره خاموش مانند

چون تمام جهان قومت خوانند



۱- ای که تو از بهر دعا آمده‌ای، در چنین جای مقدّس این را یقین دان

منجی ما می‌نگرد، می‌شنود، عرض ما را گر بود از روی ایمان

Ey keh to æz bæhre do-a amæde-i, Dær chenin jaye moghædæs in ra yæghin dan
Monjiye ma mi negæræd, mi shenævæd, Ærze ma ra gær bovæd æz ruye iman

چون که خود فرموده ما را ای محبّان، با شما بستم ز رحمت عهد و پیمان

گر در عهد و وفا بمانید، حکم مرا بدانید، نام مرا بخوانید، با قلب و وجدان

Chon keh ma færmudeh ma ra ey moheban, Ba shoma bæstæm ze ræhmæt æhd o peyman
Gær dær æhd o væfa bemanid, Hokme mæra bedanid, Name mæra bekhanid, Ba ghælb o vojdan

می‌کنم هر مشکلی را حل و آسان، می‌رسانم هر دعا را نزد یزدان

Mi konæm hæer moshkeli ra hæel o asan, Mi resanæm hæer do-a ra næzde yæzdan

۲- طرز دعا را ابن خدا، یاد به ما، داد تا افتد قبول حیّ سبحان

هر که خدا را، با دل و جان، قلب و زبان، خواند زود یابد جواب از فضل رحمان

Tærze do-a ra ebne khoda, yade beh ma, Dade ta oftæd ghæbule hæye sobhan
Hær keh khoda ra, ba del o jan, ghælb o zæban, Khanæd zud yabæd jævab æz fæzle ræhman

پس بیا تا متحد گردیم و همراز، حاجت خود را بریم نزد سبب ساز

گوییم ای پدر روحانی، حاجت ما را دانی، باطن ما را خوانی، ای شاه شاهان

Pæs biya ta motæhed gærdim o hæmraz, Hajæte khod ra bærim næzde sæbæb saz
Guyim ey pedære rohani, Hajæte ma ra dani, Batene ma ra khani, Ey shahe shahan

قادرا ما را رهان از نفس و شیطان، کن عطا ما را از احسان روح ایمان

Ghadera ma ra ræhan æz næfs o sheytan, Kon æta ma ra æz ehsan ruhe iman

(ای که دعا می شنوی نزد تو دعا می کنم)

آواز دعای مرا می شنوی می شنوی (۲)

۱- تو هستی خدا پدر یتیمان، تو داور همه بیوه زنان

تو هستی یار همه اسیران، تو هستی ملجاء برای بیکسان (۲)

(ای که دعا می شنوی نزد تو دعا می کنم)

آواز دعای مرا می شنوی می شنوی (۲)

۲- گر پدر و مادر مرا ترک کنند، دوست و دشمن مرا از خود رد کنند

چون آهوی تشنه برای نهرها، همچنان اشتیاق به تو دارم (۲)

(ای که دعا می شنوی نزد تو دعا می کنم)

آواز دعای مرا می شنوی می شنوی (۲)

۱- ای که مه‌رت با دلم آمیخته

نور امیدت به جانم ریخته

۲- قوتم ده تا زبان گویا کند

راز مه‌رت هر دلی احیا کند

۳- شرب من از روح تو دایم شود

آنچه می‌خواهی همان قایم شود

۴- در سما روحم بسویت پر زند

پیش تو آید بی‌پایت سر زند

ای که مهرت با دلم آمیخته

نور امیدت به جانم ریخته

قوتی ده تا به ایمان سرکنم

جامهٔ آزادگی در بر کنم

در دعا آیم بسویت پر زخم؛ پیش پایت بوسه کرده سر زخم (۲)

ای که نازِ قدمت نشسته رو تنِ گل
ای که عطرِ پیرهنت پیچیده تو باغِ گل
نشسته دلِ تو بیایی به امیدی
که گشایی قفلِ هر درِ بسته

تو شبانِ بره‌هایی (۲)

تنها در این رویای زیبا تو را بینم ای خدایا
دوستت دارم ای مسیحا

مسیحا (۴)

نشسته دلِ تو بیایی به امیدی
که گشایی قفلِ هر درِ بسته

ای ماه تابان، خورشید نوران، ای چرخ و فلک، ای باد و باران
ای کوه بلند، رنگین و کمان، ای وعده بداده بهر انسان

او هست خالق ما، او هست یزدان ما، اسم او همیشه بر زبان ما
او هست خالق ما، یار و یاور ما، لطف و محبتش همیشه بر ما

عیسی، عیسی، عیسی، عیسی

عیسی اوست، مسیح ما، فرزند خالق ما،

عیسی اوست، آقای ما، تا آخر کنار ما،

مسیحاست، او عیسی است، او عیسای مسیحاست (۲)

ای محبوب دل من چه زیباست آواز تو
ای حبیب جان من دلرباست عطای تو
محبت تو نیکوست نیکوتر از شراب موت
نامت چه عزیز است چه شیرین است به کام من (۲)

محبوبم از آن من یا من از آن وی هستم (۲)

مرا نزد خود بخوان تا سویت بدوم
مرا به پناهگاہت آور تا شادان شوم
بیا ای محبوب من نجات من امید من (۲)

محبوبم از آن من یا من از آن وی هستم (۲)

جام مرا پر بساز از شراب روح القدس
بگذار تا جاری شود از آسمان به باغ خود
برگرد ای حبیب من جان من در انتظار است
بیا ای محبوب من نجات من امید من (۲)

محبوبم از آن من یا من از آن وی هستم (۲)

۱- ای مسیح از آسمان خوش آمدی، ای تو با ما مهربان خوش آمدی
این شریر و این جهان مضطرب، ای تو منجی جهان خوش آمدی
از دل ما رفته است تاب و توان، ای همه تاب و توان خوش آمدی

۲- تو دریدی جامه‌های مرگ را، ای همیشه جاودان خوش آمدی
می‌نویسم در نسیم زلف تو، ای بهار بی خزان خوش آمدی
بر زمین و آسمان روح من، ای تو خورشید نهان خوش آمدی

۳- جمله می‌آیند و جمله می‌روند، ای که تو هستی همان خوش آمدی
سینه همچون حجله و دل چون عروس، ای تو داماد جوان خوش آمدی
به چه خوش گوید بنی آدم تو را، ای تو عالم را شبان خوش آمدی

۱- ای مسیح، تو منجیِ عالمی، تو هستی شَبانِ نیکویِ ما.
ما برّه‌هایِ سرگردان بودیم، امّا تو شدی راهنمایِ ما (۲)

دست بزَنیم، شادی کنیم، چون ساکن هستی در قلبِ ما.

منتظر هستیم، منتظر هستیم، تا بازگردی به جهانِ ما!

۲- لبیک گویم منجی عزیز، تا باز گردی طبق وعده‌هایت؛

تا شوی تو پادشاهِ جهان، حکمفرما سازی تو اراده‌ات (۲)

دست بزَنیم، شادی کنیم، چون ساکن هستی در قلبِ ما.

منتظر هستیم، منتظر هستیم، تا بازگردی به جهانِ ما!

۳- تو می‌آیی تا در هم بشکنی، قدرتِ شیطان را با ظهورت؛

اکنون نیز ما را قدرت می‌دهی، تا باشیم مسلّط بر شرارت (۲)

دست بزَنیم، شادی کنیم، چون ساکن هستی در قلبِ ما.

منتظر هستیم، منتظر هستیم، تا بازگردی به جهانِ ما!

1- Ey Mæsih, to monjiye alæmi, To hæsti shæbane nikuye ma.

Ma bæreh haye særgærdan budim, Ammaa to shodi rahnamaaye maa (2)

Dæst bezænid, shadi konid, Zira keh Mæsih monjiye mast.

Montæzer hæstim, montæzer hæstim, Chon u hæyate tæzeh mast!

2- Læbeyk guyam Monjiye azia, Taa baaz ghardi tebghe vadehaayat;

Ta shavi to Paadeshaahe Jahaan, Hokmfarmaa saazi to eradeat (2)

Dæst bezænid, shadi konid, Zira keh Mæsih monjiye mast.

Montæzer hæstim, montæzer hæstim, Chon u hæyate tæzeh mast!

3- To meaaee taa dar ham beshkani, Ghodrate shaytaan raa baa zohorat;

Aknoon niz maa raa ghodrat midahi, Taa baashim mosallat bar shararat (2)

Dæst bezænid, shadi konid, Zira keh Mæsih monjiye mast.

Montæzer hæstim, montæzer hæstim, Chon u hæyate tæzeh mast!

۱- ای مسیح، تو منجیِ عالمی، تو هستی شَبانِ نیکویِ ما.

ما بره‌هایِ سرگردان بودیم، که تو آمدی در میانِ ما (۲)

دست بزنید، شادی کنید، زیرا که مسیح منجیِ ماست.

منتظر هستیم، منتظر هستیم، چون او حیاتِ تازهِ ماست!

۲- لبیک گویند عالم هستی، که تو برگردی در میانِ ما؛

تا که تو باشی نوری در حیات، تا ما هم باشیم در نورِ تو (۲)

دست بزنید، شادی کنید، زیرا که مسیح منجیِ ماست.

منتظر هستیم، منتظر هستیم، چون او حیاتِ تازهِ ماست!

۳- مسیح آید ظلمت را بشکند، تا ظلمتی نباشد در جهان؛

مسیح آید ظلمت را بشکند، تا بخشد روشنایی در جهان (۲)

دست بزنید، شادی کنید، زیرا که مسیح منجیِ ماست.

منتظر هستیم، منتظر هستیم، چون او حیاتِ تازهِ ماست!

1- Ey Mæsih, to monjiye alæmi, To hæsti shæbane nikuye ma.

Ma bæreh haye særgærdan budim, Keh to amædi dær miyane maa (2)

Dæst bezænid, shadi konid, Zira keh Mæsih monjiye mast.

Montæzer hæstim, montæzer hæstim, Chon u hæyate tazeh mast!

2- Læbeyk guyænd alem hæsti, Keh to bærgærdi dær miyane ma;

Ta keh to bashi nuri dær hæyat, Ta ma hæm bashim dær nure to (2)

Dæst bezænid, shadi konid, Zira keh Mæsih monjiye mast.

Montæzer hæstim, montæzer hæstim, Chon u hæyate tazeh mast!

3- Mæsih ayæd zolmæt ra beshkænæd, Ta zolmæti næbashæd dær jæhan;

Mæsih ayæd zolmæt ra beshkænæd, Ta bækhshæd roshænayi dær jæhan (2)

Dæst bezænid, shadi konid, Zira keh Mæsih monjiye mast.

Montæzer hæstim, montæzer hæstim, Chon u hæyate tazeh mast!

ای مسیح سرورِ من، شفیعِ من هادیِ من
نورِ عالم که درخشید، به دل و طالعِ من
جانِ خود هدیه نمودی، و شدی ناجیِ من
تو نمودی ز گنه، پاک مرا خالقِ من
تن خود خوار نمودی، و شدی حامیِ من
تا شود پر ز محبت، دلم از صانعِ من

(جانِ من مالکِ من، هستیِ من شادیِ من)
سلطنت کن تو به قلب من و در خانهٔ من) (۲)

You are the Anointed one, my Lord and my intercessor
You are the Light of the world that shine,
upon my soul and became my lucky star
You gave Your Life, became my savior
Freed me from me and the fallen world
Cleansed me of all my sins
As You humbled Yourself,
and gave up Your life upon the cross,
You became my protector
And savior and fill my heart with love
**(You are my life, my world, my being, my happiness
Rule my heart and my home) (2)**

Aey Maseeh, sarvar-e man, shafy-e man Hauddy-e man
Noor-e aulam ke darakhshed, be del-o taule-a man
John-e khoud hediya namoody, o shody naujy-e man
Tou namoody ze ghonah, pauk marau khaulegh-e man
Tan-e khoud khaur namoody-o shody haumy-e man
Tau shavad pour ze mohabbat dellam az sauna-e man
**(John-e man maulek-e man, hassty-e man shaudy man
Saltanat khoun Tow be ghalb-e man-o dar khouna-e man) (2)**

ای مسیحا زود بیا (۴)

هر روز در دعا گویم (۳)

مسیحا زود بیا

۱- ای مسیحا شاهم تویی، شبان نیک خواهم تویی، راستی تو راهم تویی

ای نور هر وادی ز تو، شادی و آزادی ز تو

۲- دل غرق سودای تو باد، پیوسته مأوای تو باد، در گوش و غوغای تو باد

ای نور هر وادی ز تو، شادی و آزادی ز تو

۳- ای هادی راه صفا، وی دولت بی منتها، ما را تو هستی ملتجا

ای نور هر وادی ز تو، شادی و آزادی ز تو

۴- تا راند فرمانت قلم، معدوم شد رسم ستم، هان تو بگویم دم به دم

ای نور هر وادی ز تو، شادی و آزادی ز تو

۱- ای مسیحم جانم به قربانت به من نظرکن
حیران تو شده‌ام به من نظرکن
هر لحظه منتظرم که نگاهت به نگاهم بیافتد
تا بگویم عاشق و حیرانتم، به من نظرکن
چشمانم را به امید تو باز کرده‌ام
هر که را دیده‌ام از تو سخن می‌گوید
جانم به فدایت ای محبوبم به من نظرکن

۲- بدون تو زندگی برایم بس دشوار است
به من نظرکن تا زندگی آسان شود
چون در بسته‌ای را ببینم می‌گویم
ای رهگشای من به من نظرکن
تویی پادشاه ملکوت
آمده‌ام به مهمانی تو، به من نظرکن
گر نگاهم نکنی چاره‌ای ندارم
ای مسیحم جانم به قربانت به من نظرکن
(تکرار بند اول)

ترجمه سرود آذربایجانی

۱- ای مقدّسین، ای قومِ خدا، ای که به یک دل با هم ساکنید،
خوشی من فقط شما هستید، شما برادرانِ من هستید.

کیست امیدِ من، تاجِ فخرِ من؟ فقط تو هستی، برادرِ من!

جلال و خوشی من تو هستی، برادرِ من، ای خواهرِ من!

۲- فدیه جان تو گرانبهاست؛ تو هم از بنیادِ راستی هستی!

جزءِ سنگهای زندهِ مسیح، موردِ اکرام و محبت هستی.

کیست امیدِ من، تاجِ فخرِ من؟ فقط تو هستی، برادرِ من!

جلال و خوشی من تو هستی، برادرِ من، ای خواهرِ من!

۳- شما هیکل خداوند هستید، جزءِ اعضای بدن مسیح؛

هموطنِ مقدّسین او، از اهلِ خانهِ خدا هستید!

کیست امیدِ من، تاجِ فخرِ من؟ فقط تو هستی، برادرِ من!

جلال و خوشی من تو هستی، برادرِ من، ای خواهرِ من!

1- Ey moghædæssin, ey ghome Khoda, Ey keh beh yek del ba hæm sakenid,
Khoshiye mæn fæghæt shoma hæstid, Shoma bæradærane mæn hastid.

**Kist omide mæn, taje fakhre mæn? Fæghæt to hæsti, bæradære mæn!
Jælal o khoshiye mæn to hæsti, Bæradære mæn, ey khaahare mæn!**

2- Fediyeh jane to geranbæhast; To hæm æz bonyade rasti hæsti!
Joz sænghaye zendeye Mæsih, Morede ækram o mohebæt hæsti.

**Kist omide mæn, taje fakhre mæn? Fæghæt to hæsti, bæradære mæn!
Jælal o khoshiye mæn to hæsti, Bæradære mæn, ey khaahare mæn!**

3- Shoma heykæle Khodavænd hæstid, Joz æzaye bædæne Mæsih;
Hæmvætæne moghædæssine u, æz æhle khaneh Khoda hæstid!

**Kist omide mæn, taje fakhre mæn? Fæghæt to hæsti, bæradære mæn!
Jælal o khoshiye mæn to hæsti, Bæradære mæn, ey khaahare mæn!**

۱- ای منجی و ای شاه من، تویی فقط دلخواه من!

خونت ریختی در راه من؛ کردی رفع گناه من!

۲- هلاک بودم بدون تو؛ نجات یافتم در خون تو.

وجود من مدیون تو؛ چون ذبح شدی در راه من.

۳- از بهر من مصلوب شدی، چون خطاکار محسوب شدی.

در قلب من محبوب شدی، صلیب توست نگاه من.

۴- هدایتم کلام توست؛ عدالتم قیام توست.

سعادت من در نام توست، در این عمر کوتاه من.

۵- در شب تاریک دیجورم، تویی ستاره نورم.

در وادی موت مسرورم، چون تو هستی همراه من!

1- Just as I am, without one plea, But that Thy blood was shed for me,
And that Thou bidst me come to Thee, O Lamb of God, I come, I come.

2- Just as I am, and waiting not. To rid my soul of one dark blot,
To Thee whose blood can cleanse each spot, O Lamb of God, I come, I come.

3- Just as I am, though tossed about. With many a conflict, many a doubt,
Fighting's and fears within, without, O Lamb of God, I come, I come.

4- Just as I am, poor, wretched, blind; Sight, riches, healing of the mind,
Yea, all I need in Thee to find, O Lamb of God, I come, I come.

5- Just as I am, Thou wilt receive, Wilt welcome, pardon, cleanse, relieve;
Because Thy promise I believe, O Lamb of God, I come, I come.

6- Just as I am, Thy love unknown. Hath broken every barrier down;
Now, to be Thine, yea, Thine alone, O Lamb of God, I come, I come.

7- Just as I am, of that free love. The breadth, length, depth, and height to prove
Here for a season, then above, O Lamb of God, I come, I come!

ای منجیم، ای سرورم عیسی، ای خالق و هم یاور جانها؛
در وقت تنگی وقت شادیهها، خوانم تو را منجی من؛
تویی شادی دلها، آرامش جانم بیا پسر خدای ما
هم جان و هم جانانه، ای عیسی
سلطان جاودانه‌ای، ای عیسی
هرگز نخواهم شد، ز تو جدا
ای منجیم به فیض خود، خالیم کن از غمها
شادی و پیروزی خود، بیاور به قلب ما
(آنکه که از طوفان غم، در دل کنم فقان
گویم به تو رازِ نهان، چشمم به آسمان
تو جان خود کردی فدا، تا من شوم آزاد
از مرگ روحانی، جزای کل گناهان) (۲)

۱- ای مومنین خدا مژده نجات را دهید
که عیسی ز مرگ برخاست آزادی ما را خرید
ای رهروان عیسی شفاعت در نامش کنید
که عیسی شفای ماست ما را از بندگی خرید

پس گرد هم آیید در نامش سرود خوانید
سرودی در حمد عیسی برای خدا خوانید

۲- ای پیروان مسیح مژده صلیب را دهید
که عیسی شکست داده شیطان را بر روی صلیب
ای قوم خاص خدا محبت را پیشه کنید
که عیسی نشان داده محبت را روی صلیب

پس گرد هم آیید در نامش سرود خوانید
سرودی در حمد عیسی برای خدا خوانید

۳- ای فرزندان خدا مژده عیسی را دهید
که شفا و آرامش در نام مسیح خداست
ای شاهدان امین شهادت به کارش دهید
که عیسی طریق ماست تنها راه به سوی خداست

پس گرد هم آیید در نامش سرود خوانید
سرودی در حمد عیسی برای خدا خوانید

ایمان دارم که همیشه تو هستی، در کنار من
ایمان دارم که دیگه نمی‌مونم، در گناه و غم
ایمان دارم که رفتی روی صلیب، تو برای من
همه هستی عالم که می‌بینیم، جلال توست
تمام فکر و ذهن من همیشه، در کلام توست
تمام آرامش زندگی من، از آن توست

جلال و شکوه، بر نام عیسی هر چی که دارم، از آن عیسی (۲)

ایمان داری که خدایی هست؟ ایمان دارم
ایمان داری که او جسم پوشید؟ ایمان دارم
ایمان داری که نامش عیسی بود؟ ایمان دارم
ایمان داری او مقدّس بود؟ ایمان دارم

ایمان دارم، می‌پذیرم؛ ایمان دارم، می‌پذیرم

ایمان داری که او مصلوب شد؟ ایمان دارم
ایمان داری که گناهت پاک شد؟ ایمان دارم
ایمان داری که او قیام کرد؟ ایمان دارم
ایمان داری او در بین ماست؟ ایمان دارم

ایمان دارم، می‌پذیرم؛ ایمان دارم، می‌پذیرم

۱- ایمان داریم، ما به خدا، خالق ارض و سما
و به فرزند او عیسی، گشت ز باکره پیدا
ایمان داریم مرد بهر ما، مصلوب گشت به جای ما
با پیروزی برخاست عیسی، صعود کرد نزد خدا

عیسی خداوند، خداوند (۴)

رفیع است نامت (۲)

۲- ایمان داریم، ما به روحش، هدیه‌اش به کلیسا
بهر تایید کلامش، بخشد قوت و عطا
باز آید او در جلالش، هر کس را دهد جزا
هر زانو خم در حضورش، هر زبان کند ندا

عیسی خداوند، خداوند (۴)

رفیع است نامت (۲)

(ایمان گُل امید است، آن را تو پَر پَر مَکُن؛ امید فروغ نور است، آن را تو پنهان مَکُن
راه نجات و هستی، بشارتِ مسیح است؛ آرامشِ دلت را، اسیرِ طوفان مَکُن) (۲)

اینها سلاح نور است، غافل شوی سیاهی

دلت را در سیاهی، اسیر شیطان مَکُن

مثل بهار سر سبز، بیرون شو از تباهی

دور مشو تو از نور، خود را زمستان مَکُن

راه نجات و هستی، بشارتِ مسیح است؛ آرامشِ دلت را، اسیرِ طوفان مَکُن
دلت را زنده کن با، امید به فیض عیسی؛ هرگز به جز مسیحا، با کس تو پیمان مَکُن
روح حقیقت را، بنمای به من مسیحا؛ مرا ز دیده خود، هرگز تو پنهان مَکُن

اینها سلاح نور است، غافل شوی سیاهی

دلت را در سیاهی، اسیر شیطان مَکُن

مثل بهار سر سبز، بیرون شو از تباهی

دور مشو تو از نور، خود را زمستان مَکُن

راه نجات و هستی، بشارتِ مسیح است؛ آرامشِ دلت را، اسیرِ طوفان مَکُن
دلت را زنده کن با، امید به فیض عیسی؛ هرگز به جز مسیحا، با کس تو پیمان مَکُن
روح حقیقت را، بنمای به من مسیحا؛ مرا ز دیده خود، هرگز تو پنهان مَکُن

اینست روزی، اینست روزی

In æst ruzi, in æst ruzi
This is the day, this is the day

که خداوند ساخت، که خداوند ساخت!

ke xodavænd saxt, ke xodavænd saxt
that the Lord made, that the Lord made

شادی کنیم، شادی کنیم،

shadi konim, shadi konim
Let us rejoice, let us rejoice

و وجد نماییم، و وجد نماییم!

o væjd næma-im, o væjd næma-im
and let us be glad, and let us be glad

اینست روزی، که خداوند ساخت!

in æst ruzi ke xodavænd saxt
This is the day that the Lord made

شادی کنیم و وجد نماییم!

shadi konim o væjd næma-im
Let us rejoice and be glad

اینست روزی، اینست روزی،

in æst ruzi, in æst ruzi
This is the day, this is the day

که خداوند ساخت

ke xodavænd saxt
That the Lord made

مزمور ۱۱۸:۲۴، ۷۰:۴

Psalm 118:24, 70:4

این است روزی، این است روزی
که خداوند داد، که خداوند داد
خوشی کنیم، خوشی کنیم
و خوشبخت باشی، و خوشبخت باشیم
این است روزی، که خداوند داد
خوشی کنیم، و خوشبخت باشیم
این است روزی، این است روزی
که خداوند داد

* * * * *

This is the day, this is the day
That the Lord hath made (2)
I will rejoice, I will rejoice
And be glad in it, And be glad in it
This is the day that the Lord hath made.
I will rejoice and be glad in it
This is the day, this is the day
That the Lord hath made.

مزمور ۱۱۸: ۲۴، ۷۰: ۴

Psalm 118: 24, 70: 4 (Dari)

این خونه امنه، با شکوهه، عیسی کنار، ما نشسته
راه سعادت بازه، بازه، بابا درها، رو ما نبسته
اینجا پُر از فیض، بخشش و ایثار
لبها پُر از حمد محبت یار
مسیح همینجا، تو قلب ماهاست
فیض و نجاتش، همیشه با ماست

**(عیسی برای ما خدایی، بهترین شبان دنیا
آشتی مون دادی تو با نور، شدیم ما فرزند بابا
اینجا شیر جایی نداره، پُر فرشته است خونه ما
میخونیم دنیا بفهمه، عیسی مسیح منجی ما، منجی ما) (۲)**

این سفره ز نعمت خدا رنگین است
از رحمت او حیات ما تامین است

در نام مقدس مسیح عیسی

ممنون ای خدایم که سزایش اینست (۲)

(اینک چه خوش و دلپسند است

با هم بودن ایمانداران) (۲)

(با یک دل همه با یک دل

با محبت همواره با یک دل) (۲)

مزمور ۱۳۳

Psalm 133

۱- اینک چه زیباست پایهای مبشران، به هر جا ندا کنند
انجیل سلامتی را مژده دهند، گویند خدا او سلطان

او سلطان، او سلطان، او سلطان، تا ابد

۲- لکن او غمهای ما را بر خود گرفت، مجروح و هم مبتلا
همچون بره‌ای بر مذبح قرار گرفت، دهان خویش نگشود

او سلطان، او سلطان، او سلطان، تا ابد

۳- بسبب گناهان ما کوفته شد، مضروب و هم خوار گردید
تادیب سلامتی ما را گرفت، از زخمهایش شفا داد

او سلطان، او سلطان، او سلطان، تا ابد

۴- از روز سوم از مردگان قیام فرمود، او زنده است او زنده است
اینکه برهان محبت را بنگرید، بر دست و هم پایهایش

او سلطان، او سلطان، او سلطان، تا ابد

۱- اینک چه زیباست پایهای مبشران، به هر جا ندا کنند
انجیل سلامتی را مژده دهند، گویند خدا اوست سلطان

اوست سلطان، اوست سلطان، اوست سلطان . . . خداوند (۲)

۲- لکن او غمهای ما را بر خود گرفت، مضروب و هم مبتلا
همچون بره‌ای بر مذبح قرار گرفت، دهان خویش نگشود

اوست سلطان، اوست سلطان، اوست سلطان . . . خداوند (۲)

۳- بسبب گناهان ما کوفته شد، مجروح و هم خوار گردید
تادیب سلامتی ما را کشید، تا زخمهایش شفا داد

اوست سلطان، اوست سلطان، اوست سلطان . . . خداوند (۲)

۴- از روز سوم از مردگان قیام فرمود، او زنده است او زنده است
اینک دلیل محبت را بنگرید، بر دست و هم پایهایش

اوست سلطان، اوست سلطان، اوست سلطان . . . خداوند (۲)

۱- اینک چه زیباست کارهای مبشران، که هر جایی اعلان کنند
انجیل سلامتی را مژده دهند، گویند خدا را اوست سلطان

اوست سلطان، اوست سلطان، اوست سلطان، خداوند (۲)

۲- بسبب گناهان ما کوفته شد، مجروح و هم خوار گردید
تأدیب سلامتی ما را کشید، با زخمهایش شفا داد

اوست سلطان، اوست سلطان، اوست سلطان، خداوند (۲)

۳- روز سوم از مردگان قیام فرمود، او زنده است، او زنده است،
اینک دلیل محبت را بنگرید، بر دست و هم پایهایش

اوست سلطان، اوست سلطان، اوست سلطان، خداوند (۲)

سرودها: الف – Songs: Alef

آهنگ	مترجم	شعر	بند اول سرودها	ردیف
			اختر درخشید؛ آن شب چه آرام بود	۱.
			از این دنیای مغموم و فانی	۲.
			از جان و دل خواهم ترا، عیسی به قلب من در آ	۳.
			از دل سرود حمد خوانم، آرام و شادم چون دانم	۴.
کی نلسون		کاظم ثاقبی	از دل و جان خداوند را حمد گوئیم حضورش خواهیم	۵.
			از روزی خدای من خدای من مرا صدا کرد	۶.
			از سه اقنوم یکی آنکه مسیحا نامش	۷.
			از شرق مائیم پادشاهان چشم دوخته بسوی آسمان	۸.
			از عشق تو شد جهان در چشمم	۹.
			از مهر مسیح جدا نشوم	۱۰.
			از نور خورشید از نور ماه	۱۱.
		عزیز سامانی	از نور سحر مشق گرفتم خداوند (۳۰ نوامبر ۱۹۹۷)	۱۲.
			از هر خاری در این جهان یافتند تاجی بهر مسیحا	۱۳.
			از هر قوم و ملت، هر زبان	۱۴.
			اعتماد بر عیسی نیکوست هادی و امید ما	۱۵.
			اکنون آمده‌ایم به حضورت عیسی	۱۶.
			اکنون آمده‌ایم به حضورت عیسی؛ می‌خواهیم تو را ما ببینیم-شری	۱۷.
			اکنون در نور سالکم، پر از جلال حیاتم(حیات جاودانی)	۱۸.
			اکنون در نور سالکم، پر از جلال حیاتم (نجات آسمانی)	۱۹.
			اگر این دنیا همیشه آتش، بیافروزد بر جان و دلم	۲۰.
			اگر جان من، اگر مال من	۲۱.
			اگر چه من دلم تنگه، خداوند و خداوندم	۲۲.
			اگه دلت شکسته، تنها شدی و خسته	۲۳.
			اگر دنیا زده قلبت شکسته	۲۴.
			اگر شادمان هستی دست بزن	۲۵.
			اگر کُفر است مسیحا را، که فرزند خدا دانم (سارا فرد)	۲۶.
		سپهر	اگه نده شکوفه دیگه درخت انجیر،	۲۷.
کی نلسون		کاظم ثاقبی	الا ای گرانباران، الا ای زحمتکشان	۲۸.
			الوهیم، الوهیم، الوهیم؛ خدای قوتها	۲۹.
			الهی نور تو هر دم عیان است	۳۰.

			امروز، امروز، امروز، امروز	۳۱.
			امروز برخاست مسیحا چه فیروز است روز ما	۳۲.
			امروز برخاست مسیحا، هلولیاه	۳۳.
			امروز چه روزیست روز شادیست	۳۴.
			امروز چه روزیست روز نجات جانها	۳۵.
			امروز روزیست، امروز روزیست، که خداوند داده	۳۶.
			امروز مسیح منجی بشر	۳۷.
انگلیسی	دهقانی ت.	انگلیسی	Silent Night امشب چه فرخنده شبی!	۳۸.
			امیدم در تو است خدا	۳۹.
		ه. هوسپیان	اندر این جهان مملو از گناه - ۳ بند	۴۰.
			انسان خاکی محدود به زمان (سراینده سارا)	۴۱.
			او خداست، او خداست	۴۲.
			او زنده است، او قادر است	۴۳.
			اوست خدای قادر، شفیع و هم ناظر	۴۴.
			او شبان نیکویم است در او حیات دارم	۴۵.
			او قادر است، او حاکم است! جلال بر نام خداوند!	۴۶.
			اومدی توی دلم، وقتی دلم جونی نداشت	۴۷.
			ای آسمان بگشای در، آرایشی نو ده دگر، عهد خدایی	۴۸.
		شهرام	ای امید جاودانی	۴۹.
			ای ایمانداران، جمع شوید	۵۰.
آوانسیان		آوانسیان	ای برادران من، خوشی دل من؛	۵۱.
			ای بیت لحم از قدر تو کاهیده کوچکیت	۵۲.
			ای پادشاه جلال، سرور سلامتی	۵۳.
			ای پدر نام تو قدوس	۵۴.
			ای تمامی زمین خداوند را آواز شادمانی دهید	۵۵.
			ای تمامی زمین خداوند را بسرایید	۵۶.
			ای تو که گریان هستی، چرا سرود نمی خوانی	۵۷.
			ای خالق این جهان، تویی نور بیکران	۵۸.
احمد بیات		احمد بیات	ای خالق یگانه، ای نور جاودانه	۵۹.
	ه. هوسپیان	کره ای	ای خدا، طالب بیداریم، محو شده آرامی و شادیم	۶۰.
			ای خدای جاودانی، ای محبوب دل من	۶۱.
ژیلبرت		ژیلبرت	ای خداوند پر جلالم	۶۲.
	ه. هوسپیان		ای خداوند، پری تو را خواهیم، ثمرات و عطایای روح	۶۳.

۶۴.	ای خداوند تویی منشاء حیات مومنان (بند ۲ و ۳ عوض شده)	عربی	ه. هوسپیان
۶۵.	ای خداوند تویی منشاء حیات مومنان	عربی	ه. هوسپیان
۶۶.	ای خداوند حمدت سرایم بهر کلیسایت		
۶۷.	ای خداوندم عیسی گناهم بخشیدی	کی نلسون	
۶۸.	ای خداوند من، سوی تو شتابد همی قلبم		
۶۹.	ای خداوند مهربان، مسیح من تویی		
۷۰.	ای خداوند وعده‌های تو چه عظیم است		
۷۱.	ای دوست بیا راحت این قلب حزین باش (۶ بند)	زند ذوالقلم	
۷۲.	ای دوست بیا راحت این قلب حزین باش (۳ بند)	زند ذوالقلم	
۷۳.	ای رب عیسی تو لایقی، لایق هر پرستشی		
۷۴.	ای روح تو تنیده با جان من		
۷۵.	ای روح حق آرام جانی، بازآ		
۷۶.	ای روح‌القدس ای چشمه خدا، جاری شو درون قلب ما		
۷۷.	ای روز شادمانی ای روز با صفا		
۷۸.	ای ساکنان ربع مسکون مسیح را بنگرید با شکوه		
۷۹.	ای سرور آسمان (از ملکوت ظلمت)		
۸۰.	ای سرور آسمان (از برهوت ظلمت)		
۸۱.	ای سرور آسمان، آمدی به این جهان (سراینده وارتان)		
۸۲.	ای سرور و سردار من، ای صاحب و سالار من	مهری	
۸۳.	ای صالحان در خدا شادی نمایید		
۸۴.	ای عاصی بر خیز چشمانت را بگشا نجات تو، آمده		
۸۵.	ای عیسی ای مالک راستی ای منجی عالم هستی	گارنیک حقوردیان Garnik Haghverdian	
۸۶.	ای مسیح، با مرگت، لعنت و موت را برداشتی (ژیلبرت)		
۸۷.	ای عیسی زیبا خالق طبیعت، پور خدا، پسر انسان		
۸۸.	ای عیسی، منجیم خداوند بی همتا	ویدا کانینگهام	
۸۹.	ای عیسی نزد من بیا، بهر من باش رهنما		
۹۰.	ای عیسی نزد من بیا، بهر من باش رهنما (آذری - فارسی - ۲۰۱۵)		
۹۱.	ای عیسی هستی خدای ما، ای خدای مهربان ما		
۹۲.	ای فرزندان نور، گرد هم بیایید		
۹۳.	ای فروغ جاودان، ای مسیح نور جهان	عربی	ه. هوسپیان
۹۴.	ای قادر قدوس خدا امانت بی حد		
۹۵.	ای که تو از بهر دعا آمده‌ای		

			ای که دعا می شنوی نزد تو دعا می کنم	۹۶.
	شهریار		ای که مهرت با دلم آمیخته	۹۷.
	شهریار		ای که مهرت با دلم آمیخته	۹۸.
			ای که نازِ قدمت نشسته رو تنِ گل	۹۹.
			ای ماه تابان، خورشید نوران، ای چرخ و فلک	۱۰۰.
			ای محبوب دل من چه زیباست آواز تو	۱۰۱.
			ای مسیح از آسمان خوش آمدی	۱۰۲.
			ای مسیح تو منجی عالمی (راهنمای ما)	۱۰۳.
			ای مسیح تو منجی عالمی (در میان ما)	۱۰۴.
			ای مسیح سرور من	۱۰۵.
			ای مسیحا زود بیا	۱۰۶.
			ای مسیحا شاهم تویی، شبان نیک خواهم تویی	۱۰۷.
			ای مسیحم جانم به قربانت به من نظر کن	۱۰۸.
			ای مقدسین ای قوم خدا	۱۰۹.
			ای منجی و ای شاه من تویی فقط دلخواه من	۱۱۰.
	شهریار		ای منجیم، ای سرورم عیسی	۱۱۱.
کی نلسون	کاظم ثاقبی		ای مومنین خدا مژده نجات را دهید	۱۱۲.
آرین مظلومی	آرین مظلومی		ایمان دارم که همیشه تو هستی	۱۱۳.
			ایمان داری که خدایی است؟	۱۱۴.
			ایمان داریم، ما به خدا خالق ارض و سما	۱۱۵.
			ایمان گل امید است	۱۱۶.
			اینست روزی، اینست روزی که خداوند ساخت	۱۱۷.
			اینست روزی، اینست روزی که خداوند داد	۱۱۸.
			این خونه امنه، با شکوه	۱۱۹.
			این سفره ز نعمت خدا رنگین است	۱۲۰.
			اینک چه خوش و دلپسند است	۱۲۱.
			اینک چه زیباست پایهای مبشران به هر جا ندا کنند	۱۲۲.
			اینک چه زیباست پایهای مبشران (خداوند)	۱۲۳.
			اینک چه زیباست کارهای مبشران	۱۲۴.